ماهنامهٔ
مردم
ارگان مرکزی حزب تودهٔ ایران

موافق اطلاعی که بدست آوردیم زندانبان سیاسی از «زندان قصر» تهران به نقاط بد آب و هوای زیرین تبعید شده اند: پرویز حکمت جو به براز جان، علی خاوری بزاهدان، مهندس پیروزی به خرم آباد، معتمدی به بندر عباس، آوانسیان به کرمان. تبعید این رفقا نتیجه مبارزه دلیرانه آنها در زندان است. ما بدین عمل جابرانه رژیم بشدت معترضیم.

رفقا علی خاوری و پرویز حکمت جو در زندان.

نامه سرگشاده رفقا حکمت جو و خاوری به نخست وزیر

متن این نامه را در صفحه ۵ قرائت فرمائید

پیام بهمه احزاب و سازمانهای ملی و دموکراتیک ایران

کمیته مرکزی حزب توده ایران پیشنهاد های مشخصی در باره ایجاد صندوق انتخاباتی و اخذ رأی در خارج از کشور و تنظیم لیست مشترک میدهد.

دوستان گرامی!

بنا به اعلام مراجع رسمی دولتی صحنه سازی انتخابات فرمایشی و تحمیلی یکشنبه دیگر روز ۱۳ مرداد ماه ۱۳۴۶ در کشورما برپا میشود. مگر که گردانندگان این نمایش، دو حزب دولتی ایران نوین و مردم، هم اکنون کرسی های مجلس ۲۲ و مجلس سنا وحتی مجلس باصطلاح مؤسسانی که قرار است انتخاباتش در هشتروز یکجا با انتخابات مجلسین انجام گردد، بین خود تقسیم نموده اند.

فریبکاریهای این قبیل انتخابات که درسطحی مضحک و عاری از هرگونه آزادی صورت میگیرد حاجت باستدلال نیست. در جریان ۱۴ سال اخیر حکومت مطلقه شاه نه تنها اصول مسلمه قانون اساسی ایران را در بارهٔ حدود اختیارات سلطنت، دولت و مجلسین زیر پا گذارد، بلکه ابتدائی ترین حقوق و آزادیهای سیاسی را از مردم ایران سلب کرده است. احزاب و سازمانهای ملی و دموکراتیک با خشونت آمیز ترین وسائل سرکوب میشوند و در برابر هرگونه فعالیت علنی و تبلیغی آنها با زندان و شکنجه و گلوله پاسخ داده میشود. از آزادی بیان و قلم و اجتماعات که در زمرهٔ ابتدائی ترین مبانی دموکراسی و مهمترین حقوق است که قانون اساسی برای قاطبهٔ مردم ایران شناخته است با شدت هرچه تمامتر جلوگیری میشود و ایران هرگونه مسافتی با سیاست رژیم بلوز ترور پلیس خاموش میگردد. صد ها از بهترین فرزندان خلق به جرم معتقدات سیاسی و اجتماعی خود با شرایط رقت باری در زندانها و توبیدگاهها بسر میبرند...

اینها واقعیات غیر قابل تردید و منظره روشن از رژیم مستبدانه ایست که ما هنوز پس از گذشت ۶۲ سال از انقلاب مشروطیت بر کشور و مردم ما حکومت میکند.

بدیهی است در چنین محیط اختناق، ارعاب و خشونت جائی برای ابراز نظریات مردم باقی نمیماند و در واقع انتخاباتی که بدین نحو انجام میگردد نمیتواند جز نیرنگ بمنظور قانونی جلوه دادن مداخلات و تجاوزات دولت به حقوق و آزادیهای مردم، جز صحنه سازی رسوائی برای بکرسی نشاندن گماشتگان تحمیلی رژیم الم دیگری داشته باشد.

میهن پرستان و آزادیخواهان ایران، احزاب و سازمانهای ملی و دموکراتیک کشور ما نمیتوانند وجدان نداشته در برابر چنین تجاوزات فاحش بحقوق و آزادی مردم بی اعتنا بمانند.

تجربه جنبش علتهها نشان داده است که نه سکوت عزلتی را دوا میکند و نه بیتوان ضرباً با اعلام هدف نهضت و بلامتناع اینکه مقصود غائی جنبش، خاتمه دادن برژیم ضد ملی و ضد دموکراتیک است از مبارزه روزانه برای انتشار اعمال غیر قانونی دولت و بسیج مردم برای مبارزه در راه پیش بردن این یا آن خواست مشخص اجتماعی وسیاسی سر باز زد. بعکس عرضه شرایطی که هنوز آمادگیهای انقلابی وجود ندارد تجهیز توده ها و سازمان دادن مبارزات روزانه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی مردم نه تنها مهمترین عمل انقلابی است بلکه خود وسیله نیرومندی در راه آماده ساختن توده ها برای نبرد های آینده است.

بقیه در صفحه ۶

حزب توده ایران گرم فعالیت است

آصف رزم دیده

صابر محمد زاده

خبر کشف مطبعه حزب توده ایران، چاپ و انتشار «ضبیه مردم» و «شعله جنوب» درتهران، درهشت حاکمه و درافکار عمومی تأثیر متضادی داشته است، هیئت حاکمه را متحیر و متوحش، مردم را شادمان کرده است. معلوم میشود حزبی که آنرا هیجده سال «منحله» اعلام میکنند کماکان باقی و پایدار است، گرم فعالیت است، زنده است میرزمد.

از آن هنگام که حزب مارا «منحله» اعلام کرده‌اند تاکنون حزب بارهانیروی پایان ناپذیر فعالیت انقلابی خودرا نشان داده‌است. درسالهای اخیر بارها سازمان امنیت وشهربانی

بقیه در صفحه ۶

اتحاد نامقدس چپ روها و چپ نماها

از چندی پیش در اپوزیسیون ضدرژیم پدیدهٔ تأسف انگیز، زیان بخش و در عین حال عبرت آموزی بروز کرده است. افراد و گروههای معین ـ چپ رو و چپ نماها ـ زیر هدف ها و شعار های مشخص در عمل «متحد» شده اند. بررسی علل بروز این پدیده، افشاء ماهیت این اتحاد نامقدس و هدفهای آن و میخکوب کردن راه مبارزه با آن هم برای مبارزه با انحرافات گوناگون در جنبش رهائی بخش مردم ایران و هم برای تحقق اتحاد واقعی و مقدس نیروهای ملی و ضد امپریالیست دارای اهمیت اساسی است.

چپ روها و چپ نماها کیستند؟

قبل از هر چیز این نکته باید روشن

بقیه در صفحه ۷

تز های کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی بمناسبت پنجاهمین سالگرد انقلاب اکتبر

تز های کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی بمناسبت پنجاهمین سالگرد انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر در تاریخ پنجم ژوئن ۱۹۶۷ انتشار یافت. این سند مهم تاریخی که از یک مقدمه کوتاه و سه بخش و ۲۲ تز تشکیل پیدا میکند با تکیه بواقعیات انکار ناپذیر تاریخی، ضرورت زوال نظام بهره کشی و تحقق اندیشه های سوسیالیسم علمی را به ثبوت میرساند. چنانکه در مقدمه تزها تاکید گردیده است انقلاب اکتبر طی پنجاه سال گذشته نیروی شکست ناپذیر خود و حمایت پایدار اندیشه های مارکسیسم ـ لنینیسم را به مردم سراسر جهان نشان داده است. اینک انقلابی که با اکتبر کبیر آغاز شد گسترش مییابد، استحکام میپذیرد و نیرومند میگردد. سوسیالیسم امروز صدها میلیون و فردای تمام جامعه بشری است.

بخش ۱ ـ راه قهرمانانه مبارزه و خلاقیت

پیروزی کامل و نهائی سوسیالیسم در اتحاد شوروی نتیجه‌ای است که اهمیت جهانی تاریخی دارد.

در تزها پس از تشریح عوامل عینی و ذهنی که به پیروزی انقلاب اکتبر منجر شد گفته میشود: انقلاب سوسیالیستی توطئه یا کودتائی از بالا نیست که بدست گروهی از انقلابیون فعال و انجام گیرد بلکه جنبش و مبارزه میلیونها است که در رأس آن طبقه کارگر پرهبری حزب مارکسیستی ـ لنینیستی قرار دارد. چرب لنین درسال ۱۹۱۷ نموده شگرف اینکار

بقیه در صفحه ۹

باز هم در باره

کارزار تبلیغاتی علیه حزب توده ایران

کارزار تبلیغاتی هیئت حاکمه علیه حزب توده ایران چنانکه در شماره پیشین «مردم» نیز بدان اشاره کردهایم بالا گرفته است.

جرائد دولتی بویژه اطلاعات کیهان، آژنگ، خواندنیها، فرمان و غیر در این زمینه حرارت نشان میدهند. اخیراً خواندنیها مقالاتی در باره «اسرار فاش نشده» حزب نشر داده است و باستناد اقوال منسوب به رفیق شهید خسروروزبه کوشیدهاست تاحزب را بمشی جنایات متهم سازد حساب آقایان افترا، کمر روشن است، میخواهند بدست قهرمان ملی ایران حزب توده ایران را بکوبند و در عین حال نام بلند او را لکهدار سازند. میخواهند مدعی شوند که حزب توده ایران جانی و خائن است. و شاه و رژیم او معصوم و میهن پرست ولی جناب حساب عیثی است و وظیفه مشکلی است که آقایان در برابر خود نهادهاند. شاه و هیئت حاکمه که از در آذربایجان و کردستان کشتار کردهاند، در ۲۳ تیر و ۳۰ تیر و ۱۵ خرداد مردم یکتاه کوچه و خیابان را بسلسل بستهاند، بارها صحن دانشگاه را بمقتلگاه بدل کردهاند کریم پور شیرازی را زنده زنده سوزاندهاند، دکتر فاطمی را روی برانکارد بمیدان عدام بردهاند، خسرورزبه را بچوب تیرباران بستهاند، مصدق را در خانه خود زنده بگور ساختهاند، بیش از هفتاد تن از افسران پاکدامن و مبارز را در ریعان جوانی بخاک وخون خود غلطان کردهاند، صدها تن دیگر را تیرباران کرده و بدار کشیدهاند، دادگاه نظامی آنها مانند کوتین موحشی شبروزدر کار است، دهها تن را در زیر شکنجه های حیوانی نابود کردهاند و غیره و غیره معصومند و حزب توده ایران که قربانی خون آلود این عرصه است و اینهمه شهید داده است گناهکار و جانی! شاه و هیئت حاکمه ای که ایران را وارد ستوسانخته اند، کاپیتولاسیون را بر ایران باردیگر تحمیل کردهاند، سیاست در های باز و تشویق سرمایههای امپریالیستی را بر ایران تحمیل کردهاند، نفت ملی شده را بچنگ کنسرسیوم جهانخواران سپردهاند قانون اساسی را نقض ومسخ کردهاند، میلیاردها ریال اموال دولتی را ربوده اند، معصومند و گویا حزب توده ایران، حزب منشی زحمتکش نیست که همه عمر خود مدافع حقوق مردم ایران بوده است خائن ودزد!! الحق منطقی است مقتع وکبرا.

این سئوال مطرح میشود:

چرا این کارزار تبلیغاتی را براه انداختهاند؟

دلیل اول آن اجرا دستور سازمان «سیا» و بسط کارزار ضد کمونیستی بمناسبت مراسم پنجاهمین سال اکتبر است. امپریالیسم امریکا هراس دارد که در اثر ارائه دستاورد های عظیم اکتبر بر جاذبه سوسیالیسم بازهم افزوده شود. لذا دستور داده است کوره آتشی کمونیسم را در همه جا بازهم گرمتر سازند. مجریان این دستور در ایران بکار خود مشغول شده اند.

دلیل دوم واکنش در قبال مبارزه مردم ایران وحزب ما. اعتصاب دانشگاههای تهران و تبرز نمایشهای پرشور دانشجویان خارج کشور، پخش وسیع مطبوعات مخفی ما در ایران، کشف مطبعه حزب توده ایران نشان داد که مردم ایران و سازمانهای ایرانیپرست و حزب ما علیرغم تمام مساعی جابرانه رژیم زندهاند و پیدارند ومیرزمند. این واکنش خشن برای آنستکه بقول خود سمنتر نسوختنی نهفتت را در شعله جهنمی اتهامات خاکستر کنند.

دلیل سوم تدارک توطئه معنوی سفر آتی شاه به واشنگتن است. آتی کودیسم محتوی اساسی این توطئه است شاه بدوستان ماوراء اقیانوس خود میگوید آقایان، نگران نباشید بهبود روابط با کشورهای سوسیالیستی بمعنای انصراف ازمبارزه علیه کمونیسم نیست. من کماکان یک آتی کمونیست سرسخت و بیکیر هستم. اما اینکه تا چه اندازه ای این مرسم برقلب رنجور امپریالیسم کارگر است، روشن نیست. ولی بهرجهت این یکی از اسلوبهای سایقدار رژیم است: احضار «چهارده تن سران حزب توده» و تجدید محاکمه غیابی و محکومیت غیابی آنها نیز که چندی پیش انجام گرفت، از اجزاء همین اسلوب است.

اما درباره آنچه که ازقول خسرورزبه در باره حزب ما نوشتهاند ما فقط یک پاسخ میدهیم: سند اصیل گفتار خسرو روزبه در آستانه مرگ یعنی دفاعیات او دردست ماست و هزاران تن از آن آگاهند. خسرو دراین سند شورانگیز چنین گفت:

«حزب توده ایران اصولی ترین و متشکل ترین حزب دوران پنجاهساله مشروطیت ایران است. بزرگترین صفت ممیزه این حزب جاذبه انقلابی آنست، حزبی است که برحسب ضرورت تاریخی بوجود آمده برمبنای اصول علمی تشکیل شده ودارای تئوری وجهان بینی علمی است. حزب توده ایران این اقتدار را دارد که قائم به نیروی توده های ملت است و بخاطر منافع مردم تلاش میکند».

«حزبما حزب استعمار شکن ومدافع استقلال و تمامیت ارضی کشور است. مقاصد اجتماعی حزب ما همه از منبع بشر دوستی و احترام بهانسانیت وخدمت بمردم آب میخورد. ما میخواهیم برای همیشه به استثمار انسان از انسان که ما در همه مقاصد اجتماعی است خاتمه دهیم».

«ما هر اقدامی که کرده ایم علیه طبقات حاکمه علیه حکومت تحت نفوذ طبقات حاکمه و بنفع توده های خلق، بنفع دهقانان و کارگران وسایر طبقات محروم وتحت فشار بوده است. همه اقدامات ما براساس تأسیس حکومت ملی، حکومت مردم بر مردم واستقرار حق حاکمیت ملی و بخاطر استقلال و آزادی و سربلندی و افتخار واستقلال میهن عزیزمان بوده است».

«من باقتضای آتشی که بخاطر خدمت به خلقهای ایران دردرون سینهام شعله میکشد راه حزب توده ایران را برگزیدهام و باید اذعان کنم که جانم، استخوانم، خونم، گوشتم، پوستم و همه تاروپود وجودم این راه را راه مقدسی شناخته است و تمام سلولهای بدن من و تمام ذرات وجودم توده ای است. من عاشق سوسیالیسم و عاشق صادق آن هستم».

اینست چهرهواقعی خسرورزبه، سرباز فداکار خلق و حزب.

اگر در ایران هیئت حاکمه نام روزبه قهرمان ملی ایران را میآلاید و میکوشد تا نام حزب توده ایران را نیز بدست وی پالایند در خارج از ایران با شیوههای دیگری جناب همین مقصود میروند.

در برابر ما جزوه ایست بنام «خسرو روزبه» با تصویری از او. این جزوه چنانکه درظهر آن اعلام شده، از انتشارات «انجمن دانشجویان ایرانی در شمال کالیفرنیا» است. معلوم نیست که اداره کنندگان این انجمن شمال کالیفرنیا، کیانند و اگر در واقع یک سازمان دانشجوئی است، چه کسانی انتشار چنین جزوه ای را بر آنها تحمیل کرده اند، ولی مهر و نشان اسلوب ویژه «سیا» در اینجا نیز مشهود است. در این جزوه کوشیده اند که با آلودن و تحقیر نام روزبه، بلکه باتجلیل و تقدیس او، وظیفه حمله بحزب توده ایران را انجام دهند. درانجا خسرو، آن توده ای ماجراجوئی نیست که به «جنایات» حزب خود «اعتراف» میکند، بلکه آن انقلابی قهرمانی است که از رهبران حزب توده ایران بجان بیزار است. در این جزوه که نگارندگان آن هر گونه تحریف تاریخی را ضروری شمردند، در میان انواع دعاوی شگفت ناگهان شما یک دعوی از همه شگفت تر برمیخورید. صحبت بر سر جریان گرفتاری افسران توده ای و اعدام جمعی چند گروه از آنهاست. نویسندگان این جزوه میگنارند، «اینها (یعنی ارتجاع و استعمار) مصمم بودند تا خاک ایران را با ریختن خون تمام افسران و درجه داران دستگیر شده پیش از همیشه رنگین سازند و شاید هم اگر تهدید دولت جمهوری توده ای چین به اعدام متقابل زندانیان امریکائی در چین نبود، این امر بطور کامل انجام میگرفت. ولی امپریالیستهای امریکائی بمحض تهدید دولت جمهوری توده ای چین با تو کرانخود در ایران دستور دادند تا بقیه زندانیان را تنها به زندانهای طولانی محکوم نمایند».

هیچ معلوم نیست نویسندگان جزوه این مطلب را از کدام منبع نقل میکنند. چنین خبری درهیچ جا و در هیچ منبع کمترین انعکاسی نیافته است و برای اولین بار است که پس از بیش از دوازده سال از وقوع حادثه گفته میشود. بهر صورت حزب ما از وجود چنین تهدیدی بکلی بی اطلاع است ولی آنچه که حزب ما در باره آن اطلاع کافی دارد واقعیات زیرین است:

الف) متوقف شدن جریان اعدام افسران نتیجه کارزار بین المللی بسیار وسیعی بود که بنا بابتکار و فعالیت جدی حزب توده ایران و پشتیبانی وهمکاری صمیمانه احزاب وسازمانهای دمو کراتیک و انقلابی جهان انجام گرفت. دهها و صدها سند این کارزار وسیع بین المللی در جرایید آن دوران موجود است!

ب) در دوران گرفتاری و بازپرسی و دادرسی رفیق شهید خسرو روزبه بار دیگر حزب متکر و سازمانده یک کارزار وسیع دیگر در مقیاس ایران و جهان گردید که متأسفانه نتوانست دوز دخیم را باز دارد. در این دوران نیز ما از مداخله جمهوری توده ای چین کمترین اطلاعی نداریم!

ج) در جریان گرفتاری و دادرسی ۱۴ نفر متهمین بسوءقصد (نیکخواه و دوستان وی) حزب توده ایران در کارزار تبلیغاتی وسیعی که همه تیروهای اپوزیسیون در آن شرکت داشتند شرکت وسیع و مصممانه ای کرد. جنانکه میدانیم این رفقا متهم بودند که با مهر و پیوند فکری با مواضع سیاسی رهبران حزب کمونیست چین هستند. در این دوران نیز نه رادیو پکن و نه جرائد و مجلات جمهوری توده ای چین دفاعی از این رفقا نمیبایدند یا لااقل ما نشنیده ایم که بعمل آورده باشند!

د) در جریان کارزار تبلیغاتی برای نجات جان بجزودی، خاوری و حکمت جو بار دیگر نه تنها اقدامی از طرف مقامات چینی صورت نگرفت، بلکه بنا بگزارشی که در دست است طی انگره اتحادیه های جهان (متفقده در سوفیه) نمایندگان چین حاضر نشدند ورقه همبستگی را که همه هیئت های نمایندگی حاضر در آن انگره امضاء کرده بودند، امضاء نمایند.

این واقعیات است ولی آنچه که در جزوه مورد بحث گفته شده است ادعای بدون دلیلی است که هدفهای سیاسی معینی را تعقیب میکند.

*

کارزار تبلیغاتی علیه حزب توده ایران تنها از طرف هیئت حاکمه و یا از آن نوع که نامبردیم دنبال نمیشود، بلکه متأسفانه از طرف برخی محافل اپوزیسیون ضد رژیم نیز چنین آوازهائی بگوش میرسد. مطبوعات متعلق بسازمانهای اپوزیسیون لحن ضدتوده ای خودرا در این اواخر تشدید کرده اند. برخی از این سازمانها آشکارا اعلام داشته اند که معو حزب توده ایران شرط پیروزی انقلاب ایران است!

در صفوف اپوزیسیون برای این کارزار ضد توده ای محفلهای تئوریک عرضه میگردد. نگارنده در مقاله خود تحت عنوان «بیماری چپ روی و چپ نمائی در بین نیروهای اپوزیسیون» شه ای از این محفلهای تئوریک را مطرح ساخته و پاسخ حزب را در برابر آنها بیان کرده است. در همین شماره حاضر «مردم» نیز در این زمینه بعنوانی لازم دیگر انجام گرفته است و لذا نیازی به تکرار آن مطالب در این مقاله نیست. تنها میخواهیم

بقیه در صفحه ۳

با تصویب آخرین پیشنهاد اتحاد شوروی در شورای امنیت سازمان ملل متحد فرمان آتش بس در جبهه های جنگ تجاوزکارانه اسرائیل علیه کشورهای عربی داده شد و جنگ گرم موقتاً متوقف گردید. کوچه اسرائیل‌ها‌ی‌های اعمال خود یعنی متوقف‌کردن جمال‌الناصر و وزیر متوقف‌کردن نه توسعه‌ی ارض و ملت‌وسیعی از خاک مصر و سوریه و اردن را با جمعیت از حدود یک میلیون و نیم نفر انتقال کرده و پرداختن اعراب از مرز و بوم خویش دست زد. مدت زمان کوتاه و کوچک و مردم غیر نظامی اجباراً آنچه داشتند بجای گذاشتند و در شرایطی بسیار دشوار بیشتر بخاک اردن و سوریه پناهنده شدند و این قرار نظات فرمانده‌ان اسرائیل دارد. مجلس و حکومت اسرائیل تبعی از دور بیت‌المقدس را که جزء خاک اردن است به نیم دیگر ملحق و آنرا متعلق بخود اعلام کرده است و قرار است جنگی و مردم عادی در قسمت های اشغالی دست کمی از زندگی نشینیت های هیتلری ندارد. بیمارستان‌های کشور های عربی از مردانگی کمیاب بسر های نابالغ اسرائیل بوضع وحشتناکی افتاده‌اند. از دست و هزاران تن از مردم بیگناه و بی پناه دیوانهای های کوچه سوزان اردن و مرز های اسرائیل سرگردان و دچار گرسنگی بی خانمانی هستند. خبر گزاری‌های رایج‌ه‌کومت اسرائیل‌که به پشتیبانی امپریالیست های امریکائی - انگلیس و آلمان غربی انجام گرفته افشا نمایند. با گفتن (ملت مظلومت حمله اسرائیل بیشتر روشن میشود. تجاوز اسرائیل حافظه‌ای از ابزیر توطئه امپریالیست ها علیه کشور های مترقی و متد امپریالیستی است که در سالهای اخیر در سه قـاره امریکا - افریقا و آسیا چنده شده است. اما این توطئه ها همه جا با مقاومت دیرو های مترقی و امپریالیستی مجالی که از کوبا تـ همه جانبه اتحاد‌ماهیر شوروی و کشور های سوسیالیست و همه ابیرو های آزادیخواه جهان برخوردارند روبرو میشود. آیا تجاوز اسرائیل و نقشه امپریالیست ها در خاور میانه تنها با مقاومت کشور های عربی روبرو نیست بلکه با نیروی بزرگ اردوگاه سوسیالیسم و نیرو های متد امپریالیستی سه قاره آسیا - افریقا و امریکای لاتین و تمام عناصر حق‌پرستی جهان مواجه است که بکمک کشور های عربی شتافته‌اند.

کمک بکشور های عربی

از همانی آغاز تجاوز اسرائیل اتحاد شوروی بیاری کشور های عربی برخاست و با پیشنهاد های پر ارزش خود در اجلاس فوق العاده شورای امنیت سازمان ملل متحد و اخطارهای جدی بسرائیل فرمان آتش‌بس را که هدف آن جلوگیری از پیشرفت بیشتر های نظامی اسرائیل بود بصورت امر الزام رسانده و بلا فاصله از سازمان ملل تقاضای اجلاس فوق العاده عمومی سازمان ملل متحد را نمود. برای چنین اجلاس لازم بود که ۶۶ کشور را نمود. برای چنین اجلاس لازم بود که ۶۶ کشور را این تقاضا موافقت نمایند. دولت امریکا باین تقاضا موافقت نمایند. دولت امریکا باین تقاضا موافقت نمایند. اما بزودی اکثریت لازم حاصل گردید و علیرغم نظر امریکا اجلاس فوق العاده مجمع عمومی سازمان ملل متحد تشکیل شد. تشکیل چنین جلسه‌ای بخوبی خود نشان میدهد که تا چه‌حد تناسب قوا بدنبالی جهانی بضرر امپریالیسم بهم خورده است. اعتماد امریکا این واقعیت را تأیید میکند که در توطئه ضد کشور های عربی نقش عرجه اول داشته است. آیات مبارزه سیاسی سختی در سازمان ملل درجریان است. اتحاد شوروی و کشورهای سوسیالیستی پافشاری روماتی خواستار محکوم کردن تجاوز اسرائیل، بازگرداندن اسرائیل بمیدان تجاوز و واداز کردن آن بپرداخت غرامات حاصل از تجاوز هستند. امریکا و همه سیار محدودی از پیشنهادش بشرح زیر است. این راه مسئله بطور « اساسی » حل نمیشود و در واقع مترادر نظر نمایندهٔ اسرائیل‌اند که « حل مسئله را در مذاکرات مستقیم بین اعراب و اسرائیل » میداند. عده زیادی از کشور هائی که بچپ نزدیکی و بسیاری اسلحه‌ارد و شعارهٔ آنها از چپ‌ال تجاوز میکنند طرحی تنظیم کردند که آیا باید اسرائیل بدون قید و شرط مناطق اشغال‌ارلوک کند و بعد‌ها تجاوز برگردد و سپس سازمان‌ملل متحد اقدامات لازم برای حل بحران و تأمین امنیت کشور ها از نقاط جهان در این منطقه بعمل آورد تا صلح در خاور میانه تأمین گردد.

اتحاد شوروی و کشور های سوسیالیستی و عربی باین طرح پیوسته و اکثریت قابل توجهی برای تصویب آن بوجود آمد. اما برای تصویب رسمی هر پیشنهاد موافقت دو سوم نمایندگان ضروری بود و امریکا و انگلیس با اعمال فشار بر کشور های امریکای لاتین و دعدهای از کشور های افریقائی مانع از آن شدند که پیشنهاد بی‌کسانی و سایر کشور های گروه غیر وابسته بیلو گرسانی سوم آرا را بدست آورد. امپریالیست ها با تهدید و تطمیع عدهای از کشور های کوچک را که قبلاً نسبت باین پیشنهاد ابراز تمایل میکردند از دفاعت رأی بیطار داشتند. مثلاً همه بنده « کاپیتا » که خود جزء امتداد کشمکش طرح وزیر افغانستان‌ایدگی امریکا هنگام اخذ رأی بیان رأی نداد. امپریالیست ها بحیله دیگری برای ایجاد تفرقه در آراء دست زدند پاپلوبیتی که کشور های امریکای لاتین با تنظیم طرح دیگری‌ورداشتند. این طرح تمایله مناطق‌اشغالی را از طرف اسرائیل موکول بحل کلیه اختلافات‌بین اعراب و اسرائیل میکرد و عملاً برای مدت نامعلومی آنها را در دست اسرائیل باقی میگذارد. بهر حال موجودیت از هفت طرح پیشنهادی به مجمع عمومی‌سازمان ملل متحد حاز اکثریت دو ثلث آراء شد و موضوع همچنان در این سازمان مورد بحث است. طرح کشور های گروه غیر وابسته به بلوک‌ها اکثریت قابل توجهی بدست آورد ولی کافی نبود. دو مسئله یکی لزوم کمک فوری به بازماندگان عرب و عدم شناسائی‌الحاق بیشه ارضی بیت‌المقدس به نیم دیگر اسرائیل که اسرائیل آنرا الحاق کرده است بتصویب جلسه عمومی رسید. جالب توجه‌است که بیش از نو ثلث‌نمایندگان همگانهای خود این‌مطالب را تصریح و تأیید کرده‌اند که دیلد به‌اقدامات تجاوز کارانهٔ اسرائیل دولتی علیه کشور های دیگر صفحه گذاشت و امکان داد که با زور خاک کشور های دیگر را اشغال کند.

مبارزات سیاسی مجمع عمومی سازمان ملل متحد بیکبار دیگر ثابت کرد و دشمن اهمیت ها و کشور های دیگر از جمله کشور های عربی را نشان داد. اتحاد جماهیر شوروی الکسی کاسیگین نخست وزیر خود را برای دفاع از حقوق اعراب بسازمان ملل متحد اعزام داشت. نتیجه تصمیم سازمان ملل متحد و توصیه‌های که بشوری امنیت خواهد نمود هرچه باشد نمیتواند این واقعیت را که اتحاد شوروی تمام کوشش خود را برای کمک به نهضت های ملی و در عین حال حفظ صلح جهانی در خاور میانه بعمل آورده و میآورد ؛ نادیده دارد که اتحاد شوروی همزمان با پیکار سیاسی در صحنه سازمان ملل متحد اینکاری پافشاری صدر شورای ملی اتحاد شوروی را با هیئتی از کار شناسان نظامی و اقتصادی بجمهوری متحد عرب - سوریه و عراق اعزام داشت تا برای تقویت نیروی دفاعی و اقتصادی این کشور ها اقدام کند.

امکانات جدید علیه اتحاد شوروی برای کمک بیکشور های عربی بر همگنان روشن است. اما باکمال تأسف در مقابل این واقعیت ، گروه مقوسه تونگ چولائی نخست وزیر جمهوری توده‌ای چین و جرائد چینی اتحاد شوروی را بهمکاری با امریکا علیه کشور های عربی متهم میکنند. و این تیر اتهام هنگامی رها میشود که نمایندگان سیاسی سیزده کشور عربی در مسکو ضمن اظهاراتی متفقاً از اتحاد جماهیرشوروی بمناسبت کمک‌های همه جانبه ابراز خشنودی و تشکر مینمایند و سران و جرائد کشور های عربی از پشتیبانی پیوسته اتحاد جماهیر شوروی قدردانی و سپاسگذاری میکنند (در همین شماره در مقالهٔ دیگری قسمتی از متن این اظاهیه درج شده است) . گویا نمایندگان جمهوری توده‌ای چین در کشور های مصر و سوریه و عراق در جریان مسافرت پاکوزنی به این کشور ها از دیدن تظاهرات مردم بنفع دوستی اتحاد شوروی و کشور آنها محروم و از وقایعی که در پیرامون آن میگذشته‌ند بی خبر بوده‌اند ! ملاوه بر پشتیبانی اتحاد شوروی و کشورهای سوسیالیستی سازمان دفاع مشترک کشور های آسیا ، افریقا با حضور نمایندگان سازمان سه قاره‌ای افریقا - آسیا - امریکای لاتین در جلسه فوق‌العاده‌ای که در قاهره تشکیل داد بشافتی آراء اسرائیل و امپریالیست های پشتیبان آنرا محکوم و پشتیبانی خود را نسبت بکشور های عربی اعلام داشت.

وضع در کشور های عربی

رفتار جنگ‌آمیز اسرائیل‌در مناطق اشغالی نسبت بسکنه بیگناه ، وضع غم انگیز فراریان عرب ، مظره هول انگیز و رقت آور مردانی مجروح و بیوه‌ها و نابالغ در بیمارستان‌ها حتی گیاه و تنفر مردم کشورهای عربی را که تلاش از تجاوز مستمر اسرائیل در تمام طول زندگی کوتاه خود است ، صد چندان کرده و نفرت و انزجار آنها را نسبت به امپریالیست ها بخصوص امپریالیست های امریکائی بوج حد رسانده است. هنگامیکه تانک‌های اسرائیلی و زکریا میگفتند ، بعنوان جانشین خود پیشنهاد نمود قاهره یکصدا این پیشنهاد را با فریاد مرگ بر امریکا ، مرگ بر دلار پر کرد و پشتیبانی خود را از سیاست همکاری نزدیک با اتحاد شوروی و کشورهای سوسیالیستی اعلام داشت. فیلم‌ایران سیاسی‌های کارگری کشور های عرب ضمن محکوم کردن تجاوز اسرائیل امپریالیست‌ها را بعنوان مسببین توطئه و تجاوز محکوم کرد. در لیبی نگرانی قلت نسبت بتصاحب زندگی و در بنادر مخالف کشور های عربی کارگران از تخلیه و بارگیری کشتیهای امریکا و انگلیس و آلمان غربی خود داری کردند. اعمال زور و قدرت نتوانسته است روحیهٔ مردم کشور های عربی را متزلزل کند و جنبش رهائی بخش و ضد استعماری را در این کشورها مر کوب نماید ، بلکه‌ضمن آنها را باشفاط برانگیخته و مبارزه سوق داده‌است. حکومت جدید مصر بریاست نادر در مقدم اصلاح ارضی و سازمان‌های تأمینی و حوائی و تعاونی آنها از عناصر انقلاب و ضد انقلابی است و با پیروی عامل شکست در مقام چیزان و ترمیم نقاط ضعف در داخل کشور است. در سوریه مصوف توده های انقلابی و وحدت‌جیو ها برای تقویت قوه دفاعی و اقتصادی کشور عشرده از میشود و در کشور های دیگر عربی نیز مایرام حکومت‌های مظیر حکومت سعودی مراکش و تونس جنبش ضد استعماری اوج میگیرد ، بطوریکه سیاست اتحاد یاس و بدبینی نسبت بقرو گاه سوسیالیستی و در رأس آن اتحاد شوروی در بین مردم عرب که بیکر از هدفهای ضد استعمار و امپریالیست‌ها پود ها شکست قطعی روبرو شده است.

بحران ادامه دارد

سیمین واقعی بحران خاور میانه یعنی امپریالیست‌های امریکائی - انگلیسی در جریان اجلاس فوق العاده مجمع عمومی سازمان ملل متحد و خلوع از آن نخواهند بطور واقعی موافقتی برای پایان دادن به بحران سیاسی خاور میانه که خطر جنگ جهانی را در بر دارد ، نشان دهند . آنها بعنوان لزوم « حل اساسی عوامل بحران » از فراهم شدن زمینه برای حل مسائل کلی منطقه مناطق اشغالی از طرف اسرائیل سخن بمیان آورده و بطور کلی از تجاوز مستمر اسرائیل بخاک سابقه حسن ابراهیم با انگلستان و آلمان غربی ممتاز است ، ضمن مصاحبه با خبرنگاران اروپائی و امریکائی ، امکان مذاکرات جمعی یا فردی از طرف کشور های عربی با اسرائیل را بمناظر حل اختلافات در قرارداد های متفق دانست . کشور های عربی بعربی میدانند که زیر فشار پیروزی نظامی اسرائیل و اولتیمه موقت‌باشد امکان حل شرافتمندانه اختلافات عبیق بسیت سالم در بین نیست و توده های عرب که در نتیجه تجاوز اسرائیل بعد اعلا برانگیخته شده اند تن بمذاکراتی که یک طرف آن غالب و طرف دیگر مغلوب باشد ، نخواهند داد. آنچیزی که میتواند بایجاد آرامش ، و حل مسائل و دفع خطر جنگ در این منطقه کمک کند ، تخلیه مواضع اشغال شده از طرف اسرائیل ، بازگشت آن به مواضع اولیه و آمادگی برای حل مسائل با توجه بمنافع اکثریت مردم اسرائیل و اعراب است نه منافع گروه اندکی و بورژوازی بزرگ که وابسته بامپریالیست ها هستند. ولی باطوریکه معلوم است حکومت فعلی اسرائیل که در جست و پاسخگان بسه در امپریالیست ، میخواهد از موقعیت نظامی در جنگ استفاده کرده و علاوه برگوسه خاک اسرائیل حوزهٔ اعراب را در توسعه سوق ، درخارج خاک و در بیت المقدس بالفعل کند ، در جبهه کشور های عربی تفرقه ایجاد و بالاخره بمناظر عملی اساسی امپریالیست‌ها که تغییر حکومتهای مصر و سوریه و سرکوب جنبش استقلال طلبانه کشور های عربی است برسد. اسرائیل ظاهراً مدعی است که موجودیتش در خاور میانه و برای حفظ حیات خود نسبت به تجاوز و تعرض زنده است ولی دروغ بودن این ادعا بر کسی پوشیده نیست. در روز پنجم توطیه چنین اعلام داشت که ما لازم بود ابتدا موجودیت خود را باعراب نشان دهیم (یعنی با تجاوز بخاک آنها قدرت خود را بمالیم) و اینک باید همزیستی خود را با اعراب تأمین نمائیم (یعنی نظریات خود را بآنها تحمیل کنیم). چنین سیاستی از مناجاروی و ایجاد ناامنی در خاور میانه و بخطر انداختن صلح جهانی بیار نمیآورد. اگر مقصود اسرائیل مشخص خود از طرف کشور های عربی و همزیستی مسالمت آمیز با آنها بود لازم بود که از راه مسالمت آمیز اقدام کند و بمثل مورد اختلاف را که مهمترین آنها مسئله اعراب رانده شده از فلسطین بود با چنین توجه حل نماید. چنین تردید چنین راهی مورد تأیید کشور های سوسیالیستی و تمام محافظه‌کاران جهانی قرار نگرفت و توطیه طلبی ضد کشور های عربی اسرائیل تجاوزکاری بیشتر و توسعه طلبی است و نقش آن تمام کشورهای امپریالیستها در خاور میانه است. در مقابل چنین وضعی تنها پشتیبانی مادی و معنوی کشور های ماحاسوت و متد امپریالیستی از هدفهای مشروع کشورهای عربی، تزدیکی و همکاری بیشتر بین کشورهای عربی ، تقویت سازمان های مختلف سیاسی ، نظامی ، اقتصادی و اجتماعی و تصفیه آنها از عناصر ارتجاعی و غرغرگر در درون کشور های بیشتر عربی و در یک کلام ایجاد جناحی نیروئی حکمه بتواند تجاوز کار را بجای خود نشاند. میتواند اسرائیل و پشتیبانان آنرا وادار بعقب نشینی و سرانجام بسازش برای همزیستی مسالمت آمیز و حل مسائل مورد اختلاف از طریق مذاکرات مستقیم و یا غیر مستقیم بمیاید و گره به در حال حاضر راهی برای خروج ایجاد نمائی نیست. ا. گویا

کنفرانس جهانی درباره ویتنام

در تاریخ ۶ تا ۹ ژوئیه کنفرانس برای بحث و تبادل نظر در باره یافتن راههای تشدید و استمرار و هماهنگ کردن مبارزه در دفاع از خلق ویتنام و پایان دادن بجنگ تجاوزکارانه امپریالیست‌های امریکائی، در استکهلم تشکیل بود . شرکت سازمانهای کمونیستی و کارگری‌دین‌المللی شخصیت‌های برجسته اجتماعی و فرهنگی و نمایندگان احزاب چپ جهانی دفاع بوده ، در واقع برای تحکیم بار یک کنفرانس جهانی درباره ویتنام تشکیل شد که بدون شک مرحله نوینی را در جنبش دفاع از خلق ویتنام بوجود آورده است.

در این کنفرانس نماینده جوانان توده ایران شرکت داشت و پیش کننده همبستگی خلق‌ایران جوانان و مردم ایران با خلق قهرمان ویتنام بود.

در اعلامیهٔ پایانی نمایندهٔ مردمیها تفصیل بیشتری در این باره سخن خواهیم گفت.

۱ - سپهر

بقیه از صفحه ۲

کارزار تبلیغاتی

بگوئیم جادارد حملات‌خشن‌هیئت حاکمه بحزب توده ایران و توطئه «سیا» علیه این حزب هشیار باشی برای مخالفان رژیم باشد تا در آن عرصهٔ پلیدی که هیئت حاکمه در آن میاندازدی میکند آگاه شوند و دوستدار آن حزبی باشند که خسرو روزبه به تعلق بدان مباهات می‌ورزید.

۱ - سپهر

مطبوعات آلمان غربی درباره سفر شاه

اقامت شاه و فرح در آلمان غربی در فاصله روز های ٦ تا ١٤ خرداد که آمیخته با تدارکات فوق‌العاده پلیس و ایجاد محدودیت و اختلال در زندگی مردم آن کشور بود، موج نیرومندی از اعتراضات برانگیخت. این عدم رضایت شدید تنها در روزنامه‌ها و مجلات مخالف، بلکه در صفحات مطبوعات موافق دولت نیز انعکاس یافت. نقل قسمتی از مقالهٔ که در این زمینه نوشته شده است:

«هیچ بیش از یکهفته به آغاز مسافرت شاه مانده بود که اقدامات شدید پلیس آلمان غربی در صفحات روزنامه های آن کشور انعکاس یافت. روزنامهٔ «بیلد» در تاریخ ١٩ ماه مه ١٩٦٧ چنین نوشت: «کنترل مردها قبل از فرودگاه انجام یافته. پلیس مرزی فهرست اسامی ٥٠٠ نفر مسافر آلمانی را دریافت داشته که بشدت مظنون بودن، باید از ورود آنان بخاک آلمان غربی جلوگیری شود. دوشنبه در بن، تدارکات امنیتی بحداعلای خود رسیده. هتل «پطرزبرگ» که زوج سلطنتی ایران چهار روز در آن اقامت خواهند نمود به قلعه ای تبدیل شده است.

«گوتینگرتسآنگیلات» (١٩ مه) دامنه مراقبت های مرزی را از نیمهٔ دوشنبه میدانند روزنامهٔ «هامبورگ» سفر شاه ایران به آلمان غربی را مسافرین ایرانی واجد مسافرین سایر کشورهای خاورمیانه تحت کنترل کامل هستند.»

«فرانکفورترروندشو» در تاریخ ٢٩ مه اطلاعات بیشتری در بارهٔ پیشگیری پلیس در هتل محل اقامت شاه و فرح در شهر «بن» را میدهد. این روزنامه مینویسد: «از دو روز قبل از ورود شاه یکشهر پر «بن» هیچ اتومبیل و هیچ مادری اجازه نداشت به هتل «پطرزبرگ» نزدیک شود. تا آخرین لحظه مأموران سازمان امنیت آلمان غربی مرتباً اتاقهای هتل را بازرسی میکردند تا مبادا مواد منفجره و یا بمبی در اتاقها، کاز کشانده باشند. هتل «پطرزبرگ» که بیش از ١٠٠ اختصاص دارد، بخاطر ورود شاه و فرح و ٢٠ نفر از همراهانشان، از کلیه مهمانان تخلیه شد.»

«سود دویچه سایتونگ» (٢٦ مه) تدارکات امنیتی را برای ورود شاه بطورمفصل توضیح داده است: «فقط درشهر بن ١٨٠٠ پلیس و مأمور سازمان امنیت گمارده شده. در سراسر غربی ٥٠٠٠ پلیس از شاه حفاظت میکنند. در کلن ١٤٠٠ مأمور پلیس مجبور به انصراف از استفاده از مرخصی سالیانه خود شدند. در مسیر شاه کلیه راهها، پاها وجاده راهها شدیداً مراقبت میشوند. هیچ هواپیمای برآسمان محل اقامت شاه اجازه پرواز ندارد. به محض آنکه مشیت شاه بحرکت درآید، هیلیکوپترها از وسائط نقلیه فرق میشوند.» «نوسلمودرف» هنگامی که شاه به بوندرید از مقر رئیس جمهوری دیدن میکند، پلیس سوار بر اتومبیل خواهد کرد. بدن اسبها میبایست سرکاوله حتی احتمالی باشند. با این وجود شاه ایران، کرد حقیقاً و خود را همراه آورده است. مهندسان و مکانیک حل نداریم گمارد. از کنار «بن» در جاده فاصله داشته باشند. روزنامه ادامه میدهد: «تاکنون در آلمان غربی ٨٠٠٠ ایرانی زندگی میکنند که ٦٠٠٠ نفر آنها دانشجو هستند. دانشجویان میگویند چون از ایران مخالفت بازپرس غیر نمیکنند. ما وظیفه خود میدانیم درهر کشوری که همیم مخالفت خودرا بازپرس اعلام داریم.»

روزنامه «بیلد» با جملات زیر پیرامون دانشجویان دینی بوجود آمده در ایران صحه میگذارد: «شاه ایران، علیاً یك دیکتاتور است. پارلمان وجود دارد، اما شاه هر وقت بخواهد میتواند آنرا منحل کند. وزیران منتخب وی هستند. اما میتواند بدون جهت دلیلی آنها را معزول کند. اعتلابیون جوان ایران معتقدند که اجرای عدالت اجتماعی اقتصادی، بوسیلهٔ حکومت واقعیت وسائط ساعات میسر خواهد بود.» روزنامه «بیلد» (٢٥ مه) وجود مأمورین سازمان امنیت ایران را در آلمان وفشار آنها را بردانشجویان چنین توضیح میدهد: «در دانشگاههای آلمان بسیاری از دانشجویان ایران مورد بازپرسی قرار گرفته‌اند. دانشجویان میگویند مأموران سازمان امنیت ایران مارا تحت فشار قرار داده‌اند.»

روزنامه «دی وات» (٣١ مه) در همین زمینه نوشته است: «اعتلابدگان دانشجویان آلمان طی یك بیانیه شدیداً به پلیس آلمان غربی اعتراض کردند. در این اعلامیه نوشته شده: «وقتی دیکتاتور ایران بمیهمانی میآید انزومی نداده همانقدر شیوه های معمول درکشورش را حتی دربران بکار میبرد. دولت بست.» (١٩ مه) حتی از مصاحبت برخی مقامات دولتی آلمان و مؤسسات خبری و مردم خود، خودداری نمیکند. روزنامه مینویسد: «هنگامی که موضع برای تاریخ فرح و شوهر خود و مردم در تاریخ شهر خود را آماده میکرد.» «وسه» وزیر کشور وسخنان اظهار داشت: «میهمانان دولت در مسافرت خود به آلمان از ایران بسیار بدبوده‌اند و هایکوبتر استفاده کنند زیرا چندین ساعت تعطیل فرود و مرور و بستن خطوط موجب زیانهای اقتصادی است که من نمیتوانم مسئولیت آنرا بپذیرم.» روز دویچه تسایتونگ (اول ژوئن) مینویسد: «بنابراین مردم موقع از زوج سلطنتی ایران صمیمانه دیدن بعضی کشاند که از اسلحه‌ها به آنها نبرد، قصد ایراد از زجر مردم آغاز شد. شاه باصمیمانی بیحرکت جملاتی را که نقله او داده بیشتر میکوشد.»

«فرانکفورتر روندشو» (٢ ژوئن) تظاهرات ضد شاه را در شهر مونیخ چنین توصیف میکند: «در بزرگ شهرداری مونیخ جمعیت به انتظار ایستاده بود. در همین موقع فریاد: «شاه را از آلمان بیرون بوانید» «شاه قاتل» از جمعیت برخاست. هایکوبتری که برای مراقبت از شاه همراه اسکورت بود میخواست به صدای موتور خود ادامه دهد مانع از شنیدن صداهای مخالف شود.»

«زود دویچه تسایتونگ» (٢ ژوئن) مینویسد: «دومین روز سفر زوج سلطنتی ایران نیز توأم باتظاهرات دانشجویان بود. در روی پرچمها شعارهائی نظیر «مرگ بر رژیم شاه»، «شکنجه را پایان دهید» و «زندانیان سیاسی باید آزاد شوند» دیده میشد. بسر روی یك پلاکات نوشته شده بود: «شاه قاتل» است.»

روزنامه «بیلد» (٣١ مه) مینویسد: «مردم دوسلدورف که از شاه، فرح و پلیس عصبانی هستند، مردم میگویند در خیابانها بیش از «تماشاچی»، «پلیس» است. روزنامه زود دویچه تسایتونگ (اول ژوئن) خبر از ورود ١٦٠٠ نفر پلیس در شهر دوسلدورف بمرای حفاظت از شاه میدهد. شهر هامبورگ که آلمان غربی با سرعتی از شاه استقبال نمودند. روزنامه «بیلد» (٣٠مه) مینویسد: «شهر کلن بمناسبت سفر شاه، به تصرف پلیس درآمد. علاقه مردم به دیدن شاه و ملکه تلاق بود. هر پشت میله های آهنی کنار خیابانها، اثری از جمعیت نبود. فرح در محاصره پلیس ایفاد میرد.» از تعداد آنکه هم اکنون در چند نقطه از شهر کلن دانشجویان اوراق پر در و دیوار شهر چسبانده اند که روی آن نوشته شده: «قاتل! مصحوبتا پهلوی جستجو میشود» در این اوراق چنین خوانده میشد: «شاه در نتیجه کشتار مردم، جنایت همکاری با سازمان جاسوسی کشور های خارجی و غارت مالت خویش جرم شناخته شده است.» یکی از روزنامه های منتشره در شهر آخن خبر از همدردی دانشجویان آلمان غربی شهر با دانشجویان ایرانی میدهد. روزنامه چنین مینویسد: «گروه دانشجویان سوسیال دموکرات شهر آخن برای همدردی با دانشجویان ایرانی علیه شاه ترتیب دادند. دانشجویان اعلامیه‌ای منتشر ساختند که مراقب نوشته شده بود: «قاتل شاه ایران نیست. در ایران ٢٤ میلیون نفر ایرانی در فقر و استبداد بسر میبرند. شاه بازگرفتن نیمه‌ای نظام قرون وسطائی است که مردم ایران را در فقر نگاه داشته است. عرضت دانشجویان شاه علی مقامه. شاه نماینده منتخب مردم ایران نیست. «قاتل هائی سیاسی در ایران باید موقوف شوند.» و زندانیان سیاسی را آزاد کنید.» «مرگ بر دیکتاتور» دیده میشد. دانشجویان هامبورگ نیز تظاهراتی علیه شاه ترتیب دادند. روزنامهٔ هامبورگ «فرکوزیت» (ژوئن) مینویسد: «٤٠٠٠ نفر ازدانشجویان دانشگاه هامبورگ علیه شاه تمایلش دادند. در این دمونستراسیون» دو دانشجو با مشکهای مقوائی شاه و فرح آشفته بودند. عده دیگری از دانشجویان مرفق‌شکن ترتیب دادند. این دانشجویان اعلامیه‌هائی پخش کردند که در آن نوشته شده بود: «به دانشجویان ایرانی اجازه داده شده «مرگ بر شاه» بگویند.» و. نیز قرار نوشته یکی از روزنامه های هامبورگ ٤٨٠٠ پلیس در این شهر برای حفاظت شاه تجهیز شده بودند.

روزنامه «دی وات» (٣١ مه) بازهم تعداد مردمرا از اقدام پلیس جالب توضیح میدهد: «سرفقاد از ایجاد مواجهت برای تعداد زیاد از مردمی که در مسیر زوج سلطنتی ایران سکونت داشته‌اند.» سرفقاد اقدامی که شعبه خارجه، و پلیس سیاسی و نیز مأموران سازمان امنیت ایران بیت دانشجویان خارجی مقیم آلمان غربی میکنند: «تجهیز تعداد زیاد پلیس و فرق خیابان موجب شده است که آدم‌مردم ازهم‌بپرسند. بالاخره بچه ترتیب باید خود را به مقصد رسانید. کاریکه اینگونه اقدامات برای حفاظ شاه آشفته و اندوهگین است.»

«در محلی در شهر هامبرگ در مسافرت خود به آلمان از مقیم ایرانی غرب میکنند: «تجهیز تعداد زیاد پلیس و فرق خیابان موجب شده است که آدم‌مردم ازهم‌بپرسند. و بدین خطوط موجب شخصی» «برای بسیاری از مردم این مسافرت مطلع‌است که وجود اینهمه پلیس در شهر های محل اقامت شاه چه مبلغ هزینه خواهد داشت؟ مردم میگویند: «بچه حق پلیس مدعا خانه را در مسیر شاه زیر نظر گرفته‌اند؟ بنظرما بیگانه ایرانی ساکن این خانه ما باشد و یا حتی ما ساکنین این خانه دوستی داشته باشد؟ بچه دلیل پلیس از مردم میخواهد که در مسیر شاه پنجره‌ها را بسته و یا بنشاند؟ مردم مسافرت آلمان را سفر شاه کاه چه تصادر با ورود گرفته است.» روزنامهٔ «واین شکار» (٢ و ٤ ژوئن) مینویسد: «اتحادیه دانشجویان سوسیالیست آلمان جامعه‌ای تعداد دوفیت ٤ خط متفقی با شاه» ترتیب داد.» در بن نیز «خط متفقی با شاه» ترتیب داد. در بن نیز «خط متفقی با شاه» ترتیب داد. «در این شهر تعداد نشان خواهیم داد و چند تن از مأموران سازمان امنیت ایران و آلمان را معرفی خواهیم کرد.» بعداً در جامه به مصاحبون گفته شد: «نیم کلمه زیرهی شاه فعلا در فساوس نیست زیرادی هنوز بدان احتیاج دارد.»

روزنامه «بیلد» (٣٠ مه) از قول یکی از خواننده‌گان خود می‌نویسد: «یك آلمانی نمیدانم‌چه دلیل باید به زوج سلطانی ایران ٤٠ میلیون مارك وام داده شود.» پولی که آلمان بعنوان وام به شاه میدهد میتوانستیراری تقویت اقتصادی خودمان مصرف‌شود. جواهرات آنها برای برنامه تولیدهای کشورشان کافی است.» «فرانکفورتر روند شاو» (٢٩ مه) در همین زمینه مینویسد: «کلیه مبتوکه که زوج سلطانی ایران احتیاج به هزینه ٦٠ میلیون کمك اقتصادی از آلمان دارد.» فرح بیشتر میشد: «از دیدن کاری قبل از مراجعت چنین توضیح میدهد: «از دیدن کاری قبل از مراجعت پلیس پلیس و پلیس سازمان امنیت شهر ـ بن ـ را بحضور پذیرفت و بعنوان تشکر دست آنان را فشرد.» «در همان روز اتحادیه دانشجویان آلمان به اقدامات پلیس علیه دانشجویان ایرانی ـ بدوا اعتراض نمود.»

«مسائل بین المللی»

شماره ١٦ نشریه «مسائل بین المللی» از چاپ خارج شد. شماره ١٧ این نشریه نیز بزودی انتشار خواهد یافت. مقالهٔ این نشریه عبارتست از: «ایدیئولوژی و مسائل عمده‌ای که امپریالیسم جهان کنونی در زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی» فاسی و غیره در برابر واحدهای جنبش‌های کارگری مطرح میسازد و باید حل نگهبیدارد.»

بدست آوردن «وسائل» نشریه «مسائل بین المللی» را رهنمای کمانیکه به مسائل تئوریك و اتلاعاتی جنبش جهانی کارگری علاقمندند، توصیه میکنیم.

هموطنان عزیز! رفقای حزبی!

به این آدرس در امکانهام (سوئد) با رادیو پیك ایران، مقاومت مردم، مجله دنیا و مجله مسائل بین المللی مکاتبه کنید. نظریات، انتقادات و پیشنهاد های خود را برای پخش رادیو و مشورات و مجموعه فعالیت ما ارسال دارید.

P. B. 4176
Stockholm 4
Sweden

بقیه از صفحهٔ ۱

تز های کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی

بمناسبت پنجاهمین سالگرد انقلاب اکتبر

بیستم هفتم کوشش شخصیت استالین و کجروی‌های ناشی از این کیش و از آنجمله مبالغه در نقش یک فرد، انحراف لاقل اولین رهبری جمعی، تصفیات نامرحمانه و افتک قانونیت سوسیالیسم را بالفاظیت محکوم کرد. ولی این کجروی‌ها با وجود جدی بودن آن مانع در جامعه سوسیالیستی را تغییر نداد و اوگانک سوسیالیسم را متزلزل نکرد.

بخش ۲ - ساختمان کمونیسم ادامه و تکمیل امر خطیر انقلاب اکتبر است

در این بخش ساختمان پایه های مادی و فنی کمونیسم وظایف تدریجی گذار بجامعه کمونیستی تشریح میگردد.

پیروزی سوسیالیسم مقدمات اقتصادی و اجتماعی و سیاسی و معنوی گذار به ساختمان جامعه کمونیستی را فراهم ساخت.

گذار از سوسیالیسم به کمونیسم ایجاب میکند که بنیاد مادی و فنی لازم پدید آید، بازده کار پس افزایش یابد، وفور امر مادی تامین گردد، تفاوت میان شهر و ده، میان کار فکری و جسمی از میان برود، جهان بینی علمی و اخلاق کمونیستی تثبیت گردد، جامعه آنچنان پیش شرایط است که میتوان اصل بنیادی کمونیسم یعنی اصل « از هر کس بقدر توانائی و بهر کس بقدر نیازش » را تحقق بخشید.

کمونیسم تنها بر پایه صنعتی بنا میگردد. بر پایه پسط و تکامل بلا هم بیشتر اقتصاد و تکامل امور کلی اجتماعی، سازمان سیاسی و زندگی معنوی میپردازد. ساخته شود.

تولید سوسیالیستی اکنون بهائی سطح رسیده است که ایجاد بنیاد مادی و فنی کمونیسم را از هر جهت میسر میسازد.

رشد تولید سوسیالیستی برای ترقی روز افزون سطح زندگی مردم شوروی پایه محکمی بوجود آورده است.

در اسروکنون اجتماعی جامعه سوسیالیستی تغییرات مهمی رخ داده است. خصلت امروز کشور جامعه سوسیالیستی را وجود طبقات و گروههای جنگه دوست یکدیگرند، وحدت منافع اقتصادی، اجتماعی و سیاسی آنها و تقارب معنی آنها، ساختمان کمونیسم تعیین میکند.

طبقه کارگر که شوروی ایدئولوگو رهبری کننده جامعه نوین است فرجام حاضر بیش از نصف زحمتکشان کشور را تشکیل میدهد. در سطح تخصص کارگران شوروی، در سطح معلومات فنی و فرهنگ آنها و در محتوی و سرعت کار آنها تغییرات اساسی پدید میآید. در حال حاضر قریب به ۵۰ درصد کارگران فارغ التحصیل دانش متوسطه هستند. کارگر کارگری که ماشین ها و پروسه های بلوغ تولید را هدایت میکند بیش از پیش یک مهندس و کمیسیون تولیدی میشود. طبقه کارگر در دوران ساختمان کمونیسم نیز نقش رهبری خود را ایفا میکند.

سوسیالیسم وضع دهقانان را نیز از بیخ و بن تغییر داد. دهقانان شوروی که تعداد وفادار طبقه کارگرانند به نیروی فعال ساختمان جامعه کمونیستی مبدل شده‌اند.

در دوران ساختمان کمونیسم در همه عرصه‌های زندگی اجتماعی نقش روشنفکران شوروی بالا میرود. مناطق روشنفکران از مناطق کارگران و دهقانان چندانی اندیشیر است. فرجام بازشد سریع تولید، تمام وتکنیک تعداد روشنفکران بویژه در قسمت فنی بسرعت افزایش مییابد. فرجام ۱۹۱۳ نزدیک به ۲۰۰ هزارنفر متخصص دارای تحصیلات عالی و حرفه‌ای بودند و حال آنکه در سال ۱۹۶۶ تعداد این روشنفکران به ۱۳ میلیون نفر بالغ گردیده است.

در جامعه شوروی ملاحظات برابری، دوستی و همکاری ملتها و خلقها تثبیت شده و برای شکستگی و تزلزلگی بلا هم بیشتر آنها پایه های محکمی بوجود آمده است.

برپایه یکفکری اقتصادی و اجتماعی در مال سوسیالیستی سجایای فکر انترناسیونالیستی تکامل مییابد. دشمنی شوروی سازمانگان کمونیسم تثبیت میشود. وحدت هدف و ایدئولوژی مارکسیستی - لنینیستی، وفاداری بقدر کمونیسم، انترناسیونالیسم عمیق و میهن پرستی شوروی، احترام به شئون ملی، دوستی و برادری از الیاه زحمتکشان جامعه واحد و در عین حال کثیر الیاه سوسیالیستی است.

حزب کمونیست اتحاد شوروی با بدایلی کوتاه ابنای ملی و علیه هر گونه بروز موجات معکوس انترناسیونالیسم و شوونیسم پیکرانه مبارزه میکند.

براساس تجربه اتحاد شوروی همه جانبه حل نیروی حیات بخش سیاست ملی ابنای بشر میبرد. حل مسئله ملی در کشور شوراها بطور انکار ناپذیر نشان داد که علاقات نژادی فعال و مستقل تنها درفورد ملی، برگردند، نیست بلکه در صدرش همه خلقها میباشد. خواه کشورهای سوسیالیستی شوروی در عمل پیروزی اصل انترناسیونالیسم پرولتری را نشان میدهد.

در دوران ساختمان کمونیسم سازمان خواص و دموکراسی سوسیالیستی بلا هم بیشتر تکمیل میشود.

بخش ۳ - انقلاب سوسیالیستی اکتبر و پرسوه انقلاب جهانی

انقلاب اکتبر آغازگذار انقلابی از مرحله بزرگ به سوسیالیسم در سراسر جهان بود. ملی انقلاب گذشته پروسه انقلاب جهانی بالاوقه گسترش یافت. کشورها و خلقهای نژادهای را در برگرفت. گسترش انقلاب جهانی در مبارزه بمقابل امپریالیسم که در مقابل نیرو های انقلاب سرمایه‌داری مقاومت میورزد و در بعضی از مناطق بعد مرتبه متقابل مبارزه‌داری انجام میپذیرد، جنبش انقلابی جهانی با مشکلات درونی نیز مواجه است که از فرجام سریع انقلاب وگوناگون بودن نیروهای اجتماعی شرکت کننده در مبارزه ضد امپریالیستی سرچشمه میگیرد. با این وجود گرایش اساسی تکامل تاریخی بثبوت گرایشی است که با انقلاب اکتبر معین شده است. تعدادی شده در دوران تاریخی است. سه عمده و خصوصیات عمده آنرا امروزسیستم سوسیالیستی جهانی، شوروهای که علیه امپریالیسم وبطاقر تحول سوسیالیستی جامعه مبارزه میکنند معین میکند.

تجربه تاریخی نشانه سالی که از انقلاب اکتبر میگذرد نشان میدهد که شوروی استالین را در پناه محکوم بوقال بدون سرمایه داری تایید کرد.

مرحله امپریالیستی تکامل نظام سرمایه داری ماهیت ضد مادی وجوب از ثبات آنرا آشکار ساخت. امپریالیسم دانها را بجز دو جنگ جهانی کرد. که که طی آنها ۶۰ میلیون نفر کشته شدند. او اینک بثبوت آنها به زانو خوش سومین جنگ جهانی و استعمال سلاح هسته ای و موشکی تهدید میکند. جنگهای محلی و تهاجمات علیه جنبش های بخش ملی (کوبا، ویتنام، تهاجمات جنوب امپریالیسم آمریکا در ویتنام ، حمله انتلاگران اسرائیلی به کشورهای عربی است) نمایش کردن اقتصاد - سرکوب دموکراسی و کوشش برای استقرار رژیم های تروریستی فاشیستی (آخرین مثال این است مظاهر آشکار ماهیت ارتجاعی امپریالیسم.

امپریالیسم مسئول خلب ماندگی اقتصادی وفنی دهها کشور آسیا، افریقا و امریکای لاتین است. این خلب ماندگی نتیجه مستقیم غارتگری امپریالیستی و سیاست استعماری و نو استعماری است. امپریالیسم از همه امکانات استفاده میکند تا بموجودیت خود ادامه دهد. سرمایه‌داری معاصر قبل از همه سرمایه‌داری اقتصادی دولتی است که خود را با شرایط مبارزه دو سیستم جهانی انطبق میدهد. امپریالیستها با هر انفر گرهش صلح کوبانی نیرو های مولده، خصوصیات مبارزات طبقاتی بمقیاس جهانی و مولدهای کشور های سوسیالیستی، رشد نیرو های طبقاتی در درون جهان سرمایه داری مقاور میکنند. میکوشند تاثیر مغرب ترین پدیدها مانند هرج و مرج تولید، بحرانهای اقتصادی، بیکاری وسیع مردم بیش تاثیر پدیده های دیگر، برای نحوه ارتباط اجتماعی بطورکلی بیدا کنند تشدید امراض از مارکسیسم - لنینیسم بویژه و صریحا با انترناسیونالیسم پرولتری و رفاقوالیه‌های ایمانی ساختمان سوسیالیسم تمداد شدت گروه

بقیه در صفحه ۶

بقیه از صفحه ۵

از های حزب کمونیست اتحاد شوروی

مالنوف‌سوم، باجرای عفو عمومی آغاز کرد که در آن ماجراجوئی خرده بورژوائی و دنیوئیسم نظمت طایفه در زیر لفاظی «چپ» و «هم آمیخته بود» کروه مالنوف‌دوم آشکارا در راه برهم زدن وحدت جامعه کشور وطنی سوسیالیستی و انشعاب جنبش کمونیستی جهانی گام نهاد.

مش ماجراجویانه کروه مالنوف‌دوم موجب آشفتیت جنبش حزب کمونیست چین، طبقه کارگر چین و باعث تشدید طبیعت آنتاگونیستی خرده بورژوائی گردید. دستاورد های سوسیالیست در چین، با خطر جدی مواجه شد.

مردم شوروی همیشه خلق چین را در مبارزه برای تحول انقلابی جامعه دوست و متحد خویش بشمار میآورند. اصراف حزب کمونیست چین از سیاست هلاکت بار کولونی و تحکیم سلطنت جمهوری خلق چین با اتحاد شوروی و کشور های سوسیالیستی دیگر بنفع سوسیالیسم جهانی و قبل از همه بسود خود خلق چین است.

جامعه کشورهای سوسیالیستی در صدف مقدم مبارزه علیه امپریالیسم، بخاطر صلح و ترقی اجتماعی قرار گرفته است. دور افریقه وکشرق پروسه انقلابی سهم تعیین کننده دارد.

در قرنها از شاگرد انقلاب اکتبر در سیستم امپریالیستی سلطه مستعمراتی صحبت میشود.

پس از پیروزی انقلاب اکتبر بحرانی سیستم مستعمراتی امپریالیسم آغاز شد. جمهوری شوراها در عمل «اتحاد انقلاب سوسیالیستی و جنبش رهائی بخش ملی را لحظه بلحظه، نمونه و تکیه‌گاه مبارزه رهائی‌بخش ملتها گردید.

امپریالیستها میکوشند مستعمرات سابق را در چنان راه رشد اجتماعی و اقتصادی نگهدارند، ترقی اجتماعی و فرهنگی آنهارا قرمز نمایند. مطالب خلقها نمیخواهند به بهره کشی امپریالیسم تن دوهند. میکوشند استقلال خودرا تحکیم بخشند و فوریتهوی بنای راه رشد اجتماعی و اقتصادی هستند که حل مسائل بقرنهی را که در مقابلشان قرار دارد در کوتاه ترین مدت ممکن سازد. آنها میبینند که چگونه مالنهای سنجیده‌ورسه تواری بنیاد خودداری از پشتیبانی پرولتاریای پیروزمند روسیه در مدت تلویض کودتای عنب طلبی اقتصادی و فرهنگی خود را از بین بردند و در کلیه رشته های زندگی اجتماعی به پیروزی های قابل توجه نائل آمدند.

پروسه انقلابی جهانی که بانقلاب اکتبر شروع شد برای مبارزه علیه کارگر بین‌المللی بخاطر هدفهای نزدیک و نهائی خویش اوضاع و احوال جدیدی ایجاد کرد. تشکل وسلطنت بین‌المللی گروه‌های مختلف طبقه کارگر رشد یافت. پیروزی انقلاب اکتبر طبقه کارگر را در مرکز دوران ساعر قرار داد. طبقه‌کارگر کشور های سرمایه داری مبارزات خود را علیه قدرت انحصارها و خرده‌پای مطیع آنها تشدید میکنند. اگر تاکنون، طبقه کارگر دوران نشده است ازمارک‌های سوسیالیستی خود را تحقق بخشد این امر بیشتر زیاد با انشعاب در صفوف آن مربوط است. در زمان حاضر امکانات ساعدی برای برطرف کردن این انشعاب فراهم میگردد. «کامیابیهای سوسیالیسم ثابت میکنند که فقط از راه تحول بنیادی جامعه میتوان، به هدفهای انقلاب طبقه کارگر رسید. در عین حال تاریخ بی‌امر بوده‌ها راه رفرمیسن را ثابت کرده است. در اوضاع سوسیال دموکرات در هیچ کشوری به مبانی سلطه سرمایه‌داری دست نزدهاند. کارگرانیکه بدنبال سوسیال دمکراتها، بدنبال احزاب و اتحادیه های سرمایه داری میروند بیش از پیش بضرورت برخورد طبقاتی بمسائل اجتماعی وارزوم همکاری با کمونیستها قبول دارند.

در شرایطی که چنین واحد متحد انحصار رشد و تحکیم مییابد، هنگامیکه طبقه کارگر و متحدینش در جامعه وزن سیاسی روزافزونی بدست میآورند، امکان استفاده وسیعتر از حقوق و مؤسسات دموکراتیک برای مبارزه علیه سلطه انحصارها بوجود میآید. رفرمهای دموکراتیک که بین منافع طبقه کارگر و قشر های زحمتکشان تمیز پروافر است و در تحت فشار توده ها انجام میگیرد، موجب تحکیم مواضع نیروهای ترقیخواه میشود و بایگاه حقه قانونی بمواضع سرمایه را توسعه میدهد. مبارزه برای توسعه حقوق توده های خلق در کشور های سرمایه داری رشتهٔ مهمی از مبارزات ویژه لاینفک مبارزه بخاطر سوسیالیسم است.

در قرنها از تاثیر انقلاب اکتبر در بسط وتکامل جنبش کمونیستی جهانی گفتگو میشود. با پیروزی انقلاب اکتبر، پرولتاریای جهان بضرورت حزب طراز نوین، حزب حل انقلابی، حزبی که مجهز به تاوری مارکسیستی - لنینیستی بوده در رأس توده ها قرارگیرد، اطمینان یافت.

فرایند وتحکیم احزاب کمونیستی انترناسیونال کمونیستی بگونه‌ایکه‌ازاین تشکیل شدند شکل طبیعی ایفا کرد. علی ایم فن گذشته جنبش کمونیستی جهانی به نیروی طبیعی مبدل گردید. اینک در هر کشوری که طبقه کارگر هست حلا حزب کمونیست وجود دارد.

تجربه نیم قرن گذشته ثابت کرده است که نیروی جنبش کمونیستی در وفاداری به مارکسیسم - لنینیسم است. بدون داشتن در پایه کمونیسم، جنبش کمونیستی نیست و نمیتواند باشد. پیشاهنگ کمونیستی طبقه کارگر کشور های سوسیالیستی، کشور های سرمایه داری و کشور های در استقلال با تدوین استراتژی و تاکتیک خود میرات اکتبر را فنی میسازند. نتیجه کار مشترک: جمعی و خلاق در کمونیست. اینجست ما خط مشی عمومی جنبش که علی اعلامیه‌های جلسات مشاوره ۱۹۵۷ و ۱۹۶۰ تدوین شده است.

میدوعزیز مسئله جنبش کمونیستی جهانی تأمین وحدت صفوف این جنبش بر اساس مارکسیسم - لنینیسم است.

در قرنها ضرورت تشریح اصول بنیادی سیاست خارجی دولت شوروی گفته میشود که انقلاب کبیر اکتبر به تبارات اساسی در سیستم مناسبات بین‌المللی منجر شد. سیاست خارجی امپریالیستی را دچار بحران عمیقی کرد. اصل صلح و امنیت بین‌المللی، برابری، دوستی و همکاری خلقها را اعلام نموده، مبارزه میان سوسیالیسم و امپریالیسم به محور تمام سیاست جهان مبدل گردید.

خلق و حزب ایمان داشته شوروی با انقلاب اکتبر مشعل سوسیالیسم را برافروختند و دوران نوینی را در تاریخ بشریت افتتاح کردند. سوسیالیسم که در قرن ۱۹ از آرزو به علمی مبدل شده بود در قرن بیستم با پیروزی انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر پراتیک اجتماعی وسیعی تودههای بیشمار زحمتکشان گردید، در قرنهای کمیته مرکزی حزب کمونیست شوروی بمناسبت چهلمین سال انقلاب اکتبر سرانجام گفته شده است، نیرو های کمونیسم بیشمار است زیرا حقیقت زندگی بجانب آنست، فقط کمونیسم قادر است که مسائل بنیادی تکامل اجتماعی را حل کند، بضرورت از ازمنجر و استقلال، گرسنگی و فقر، از بیانیارسم و جنگ رهائی بخشد و دموکراسی، صلح، دوستی بین خلقها و زندگی شایسته انسان را در کرهٔ زمین برقرار سازد.

بقیه از صفحه ۱

پیام بهمه احزاب و سازمانهای ملی و دموکراتیک ایران

در پوشانع و احوال کنونی کشور ما مبارزه در راه استقرار آزادیهای دموکراتیک عمده ترین و عمدترین مبارزه میباشد که از اجتماعات مبارزه برای آزادی کلیه زندانیان سیاسی، مبارزه برای آزادی احزاب، سازمانها و اجتماعات، مبارزه در راه آزادی مطبوعات و عقاید، مبارزه برای لغو محاکم استثنائی نظامی وارجاع امور سیاسی و مطبوعاتی بمراجع عادی دادگستری، مبارزه در راه آزادی انتخابات، مبارزه‌ایکه در آن میهن پرستان، وآزادیخواهان، ایرانست. مجموع اقدامات و تظاهرات مبارزه در مورد انتخابات و از آنجمله انتخابات مجلس مؤسسان که مأمور تدوین اصول ۳۸، ۴۱ و ۴۲ قانون اساسی را تغییر دهد و اختیار تعیین نائب السلطنه را از مجلسین سلب و بشاه مستقل سازد، از بیخ و بن غیر موجه، غیر قانونی و ناقض حقوق اساسی مردم ایرانست. مدعی کردن سه انتخابات در یکروز بر خصلت استبدادی آمیز و غیر دموکراتیک‌جریان انتخابات باز هم میافزاید. بهمین سبب در مرحله کنونی مبارزه علیه صحنه سازی انتخابات تحمیلی و افشاء اعمال غیر قانونی و تجاوزات خودسرانه رژیم در مورد حقوق انتخابی مردم ایران، اهمیت خاصی کسب میکندو در وظائف سنگینی بعهده احزاب و سازمانهای ملی و دموکراتیک قرار میدهد.

با وجود محیط اختناقی که در ایران حکمفرما است، امکانات متعددی چه در داخل و چه در خارج کشور وجود دارد که بوسیله آن احزاب و سازمانهای ملی و دموکراتیک میتوانند برای مبارزه در راه استقرار قانونیت انتخابی و لغو ساختن ماهیت مفلوک مجلس دوم کوشش بزنند. بدون کمک و پشتیبانی آنها برای دفاع از حقوق و آزادیهای خویش استفاده نمایند. «بتوان و باید از کلیه وسائل از مراجعه بسازمانهای بین‌المللی، بسازمان ملل متحد، به مجامع دفاع از حقوق بشر، بهمه احزاب و سازمانها و مطبوعات دموکراتیک جهانی گرفته تا توضیح شاهد، ارسال نامه های شکوائی و تلگراف، نوشتن مقاله، تحصن، اعتیاض اعتصاب و هر وسیله ممکن دیگری برای بلند کردن بانگ اعتراض مردم ایران و نشان دادن وضع اسفناک کرد.

حزب توده ایران بنوبهٔ خود کوشیده و خواهد کوشید از کلیه احزاب که در مسرس لوست‌برای سازمان دادن باین مبارزه استفاده کند و همچنین آماده است که در باره همه این اقدامات و نظائر آن و یا جزائی از آنها که مورد موافقت سایر احزاب وسازمانهای ملی و دموکراتیک باشد متفرکا و متحدا عمل نماید.

نظر بوضاع و احوال کنونی که اکثریت در کشور ما حکمفرماست ایرانیان خارج از کشور بویژه دانشجویان ایرانی میتوانند در این نبرد نقش بسیارمهمی ایفاء نمایند. در واقع نزدیک به ۵۰ هزار نفر ایرانی در کشور های خارجه اقامت دارند که اکثریت‌حائق آنان را دانشجویان و روشنفکران تشکیل میدهند. محیط نسبتاً آزاد کشور های مورد اقامت امکانات بسیاری در دسترس این جمعیت بوجود میآورد که در پرتو مبارزه علیه رژیم استبدادی ایران بطور کلی و در این مبارزه مشخص علیه انتخابات تحمیلی قرار میدهد. از سوی دیگر چون دولت ایران برخلاف اصول دموکراتیک و حتی بر خلاف اصوص صریح قانون اساسی و قوانین انتخاباتی کشور خودسرانه ایرانیان مقیم خارجه را از شرکت در انتخابات و حتی رأی دادن محروم نموده است این خود وسیله نیرومندی برای بسیج و جلب هم چه بیشتر ایرانیان مقیم خارجه در مبارزه بمنظور اعتلاء اصل عدد آزادی ایران است.

در واقع هیچ قانونی بدولت اجازه نمیدهد که خودسرانه بخشی از مردم ایران را فقط بمناسبت اینکه در خارج از کشور سکونت دارند از حق رأی و شرکت در انتخابات محروم نماید و بهمین سبب ایرانیان خارج از کشور کاملا حق دارند که باین نقض آشکار حقوق مسلمه خود اعتراض نمایند و در برابر آن تدابیر مقتضی بیاندیشند.

بنظر حزب ما مهمترین اقدامی که میتوان در مقابل این عمل غیر قانونی دولت انجام داد اخذ رأی در مراکز مخالفه تجمع ایرانیان در کشور های خارجه است. احزاب و سازمانهای ملی و دموکراتیک بویژه سازمانهای دانشجوئی و کنفدراسیون دانشجویان ایرانی میتوانند با کمک و پشتیبانی سازمانهای دموکراتیک کشور های محل اقامت خود و همچنین با نظارت سازمانهای بین‌المللی این رأی‌گیری را به نمایش عظیمی علیه نقض آزادیهای دموکراتیک دولت و نمونه بارزی از مخالفت بخش مهمی از دانشجویان و روشنفکران علیه رژیم کنونی ایران مبدل نمایند. تظاهرات مقیم و اقامت پارزتری که بهنگام مسافرت اخیر شاه از طرف ایرانیان خارج از کشور بویژه دانشجویان ایرانی انجام گرفت بکمار دیگر اهمیت و تأثیر مثبت این نمایشها را در افکار عمومی مردم جهان نشان داد. تظاهرات اخیر بخصوص نقش بسیار ارزنده ای را که ایرانیان خارج از کشور میتوانند در شرایط کنونی برای پیشرفت جنبش ملی و دموکراتیک ایران ایفاء نمایند بیش از پیش برجسته ساخت.

حزب توده ایران ایمان دارد که کامپانی انتخابی مورد رسیدگی قرار میگیرد که با دقت و سرعت سازمان یابد میتواند بمراتب وسیعتر ودرخشانه تر گردد ومحتملا قبول آن در افکار عمومی مردم جهان بیشتر و نتایج آن برای جنبش دموکراتیک ایران پرثمرتر خواهدبود.

برای اینکه این رأی گیری دارای مشروعیت روشن و سریع و از نظر بین المللی نیز موجه باشد بعقیده حزب ما لازم است که شمار های مشخصی از قبیل مطالبه اجرا، مقررات قانون اساسی ایران در باره آزادیهای دموکراتیک، آزادی عقیده و قلم، آزادی احزاب و اجتماعات و آزادی زندانیان سیاسی و غیره در صدر تبلیغات انتخاباتی قرار گیرد و نیز اشخاصی مانند آقایان بازرگان، آیت الله خمینی، علی غلامزی، پرویز حکمت جو، دکتر شایگان و اعمال آقای بختیار نامزد ملی مشترک کلیه احزاب و سازمانهای دموکراتیک معرفی گردند. در صورتیکه آنها بتوانند برای نامزد ها بصلاح تشخیص نگردد آنگاه میتوان رأی گیری را بصورت رفراندوم انجام داد بنابن نقض که هر تن از رأی دهندگان میتواند یکی از دو نرگه موافق یامخالفی را که در اختیار وی گذارده میشود بعلامت موافقت یا مخالفت با روش تصیلی در انتخابات مجلس شورا، سنا و مجلس مؤسسان بصندوق اندازد. بدیهی است شرکت واقعی نمایندگان سازمانهای دموکراتیک محلی و بین المللی در روزنامه نگاران خارجی در این تظاهرات نقش مؤثری دارای بیکند و میتواند جریان دوزور را به کارزار بسود سوسیالیسم علیه رژیم ضدمردمی گرانبار بیاندازد.

کمیته مرکزی حزب توده ایران بنوبه خود حاضر است در مورد چگونگی اجراء این امر وهمچنین راجع بکلیه مسائل مربوط به نبرد انتخاباتی کنونی با همین احزاب و سازمانهای ملی و دموکراتیک همکاری کند و آنچه نیرو دارد برای پیشرفت منظور مشترک بکار برد.

برای تأمین این منظور و تنظیم نقشه محتمد و اجراء هر چه سریعتر آن بر اساس تقسیم کار، حزب ما برای هرگونه تماس با احزاب و سازمانهای ملی و دموکراتیک ایران و کشور های خارجه آمادگی دارد که با کوشش همه جانبه و مشترک در این مبارزه بموفقیت موفقیت فرخنده فیروزی را برای جنبش ملی و دموکراتیک ایرانیان خارج از کشور بویژه برای نهضت دانشجوئی تأمین نمود.

کمیته مرکزی حزب توده ایران

۲۰ تیر ماه ۱۳۵۶

بقیه از صفحه ۱

حزب توده ایران گرم فعالیت است

مجبور شده‌اند به «کشف شبکه حزبی» و «دستگیری سران توده» در گوشه وکنار کشور اعتراف کنند. محا کمه چندی پیش رفقا حکمت‌جو وخاوری وباران‌شان و کشف کنونی مطبعه حزب دلائل نازیاست.

هیئت حاکمه‌چه‌قدرد متحیر شود؟ چرا احزاب‌دولتی باین آسانی منقرض میشوند ویك حزب‌انقلابی‌دوزیر کوهی ازفشارخوردنمیشود؟ دردرمانی ازخون فرق نمیکرد؟ علت چیست؟

علت آن برای ما روشن است، راه حزب توده ایران حق است. آنهائی که بدان میپیوندند باین راه حق باور دارند. حقانیت و ایمان - چنین است دوسرچشمه نیروی لایزال حزب ما.

درچرایان کشف‌مطبعه دوتن‌ازکارکنان مطبعه آصف رزم دیده و صابر محمدزاده دستگیر شده‌اند. این افراد شریف که در جنگ پلیس خون آشام ایران گرفتار موافق قانون اساسی هیچ جرمی متوجه این افراد که ناشرومحرر روزنامه نسنته نمیکردد، ناشر و محرر روزنامه حزب توده ایران است. موافق قانون اساسی هیچ جرمی بسبب نشر آزادانه مطبوعات متوجه حزب ما نیز نیست. این دولت است که بسبب سانسور و میزی مطبوعات و مداخله در امور آن و توقیف آن و توقیف غیر قانونی کارکنان مطبعه مجرم است.

اگر دفاع از حق جرم است، این جرمی است که در گذشته حزب‌ما مرتکب شده ودرآینده‌نیز بااسرسختی تمام مرتکب خواهد شد. هیچ فشاری قادر نیست ما را از این راه منحرف کند.

جا دارد افکار عمومی جهان و ایران به توقیف غیر قانونی رفقا آصف رزم دیده و صابر محمدزاده اعتراض کند.

رفقای توده‌ای، مردان و زنان آزاده ایرانی، در هر جا که هستید بانگ خود را بدفاع از این دو کارگر شریف بلند کنید. از رزیم بخواهید که فورا آنها را آزاد کند و به خودسری ونقض دائمی‌حقوق دمو کراتیك مردم ایران خاتمه دهد.

درود گرم به رفقا آصف رزم دیده و صابر محمدزاده!

بقیه از صفحه ۱

اتحاد نا مقدس چپ روها و چپ نماها

شود که ما چه کسانی را چپ رو و چه کسانی را چپ نما میدانیم و می‌نامیم ؟

چپ‌روها کسانی هستند که در ابراز تمایلات ملی و انقلابی خود صادق اند ولی به علل گوناگون که مهمترین آنها عبارتست از عدم تطابق کافی برتئوری مبارزه و کمی تجربه سیاسی ، دچار دگماتیسم و سکتاریسم میشوند و در نتیجه شعارهای غیر واقع بینانه و ماجراجویانه را مطرح میسازند . باید گفت که در اینجا تسلط روحیات لاسوالیستی بورژوائی وخرده‌بورژوائی نیز نقش مهمی‌بازی میکند . چپ روها در ایدئولوژی و سیاست خود ، بدرجات گوناگون ، بطور کلی از سیاست و ایدئولوژی کمرو مائوتسه دون پیروی میکنند.

چپ‌نماها کسانی هستند که در واقع ضد انقلابی و ضد کمونیست اند . در میان آنها حتی افراد متکو کی وجود دارد که در ارتباط آنها با سازمانهای جاسوسی امپریالیستی (سیاء اینتلیجنس سرویس ، سازمان جاسوسی آلمان غربی و غیره) و سازمان امنیت ایران تردیدی نیست . اینها زمانی آشکارا و از روبرو با سازمانهای مترقی و انقلابی و ایدئولوژی و سیاست آنها مبارزه میکردند . ولی در دنیای ما که دفاع از سیاستهای ارتجاعی و مبارزه رو در رو با افکار انقلابی روز بروز دشوارتر میشود و در شرایطی که بیماری چپ روی در جنبش انقلابی و کمونیستی بروز کرده است ، اینها نیز نقاب «انقلابی بر چهرهٔ خود زده اند و از «چپ» و همصدا با چپ روها سیاست ارتجاعی خود را از پیش میبرند . این ازدیدهای جالب این ایام است که امپریالیسم بمیدان بر آمده است با شعار های «چپ» در بین شعار های چپ واقعی را با شکست روبرو سازد . باید باین تاکتیک مهم و خدعه گرانه امپریالیستی کاملا توجه کرد .

بنا بر این نباید تصور کرد که سازمانها و گروههائی فقط چپ رو هستند و سازمانها و گروههائی فقط چپ نما . بلکه واقعیت چنین است که در بین تمام سازمانهای ایورتیسیون غیر توده ای ، که همه در ظاهر ملی وانقلابی هستند ، هم چپ رو وجود دارد و هم با کمال تأسف چپ نما . بدون تردید اکثریت مطلق افراد وابسته به این سازمانها از نیت ثبت صادق اند . ولی در این نکته هم تردید نیست که عناصر مشکوک توانسته اند خود را در این سازمانها جا بزنند . یکی از مشکلات اصلی مبارزه با چپ روی در شرایط کنونی همین است ، زیرا تشخیص بین عناصر صدیق و غیر صدیق در عمل بسیار دشوار و گاه غیر ممکن است .

مبانی اتحاد نامقدس چپ روها و چپ نماها

مشی چپ روانه ای که چپ روها اتخاذ کرده اند آنها را از نظر جهانی در برابر اتحاد شوروی و از لحاظ داخلی دربرابر حزب توده ایران قرارداده است . جالب است که اگر تا چندی پیش چپ روها از مشی حزب توده ایران واتحاد شوروی «انتقاد» میکردند بتدریج که مواضع روشن تر و مبارزه ایدئولوژیک وسیاسی حادتر گردید ، مبارزه باحزب توده ایران و اتحاد شوروی خصمانه شد ، بطوریکه اکنون آشکارا اعلام میشود که «هدف اصلی» مبارزه «حزب توده ایران و اتحاد شوروی‌است .

این وضع زمینه بسیار مناسب برای چپ‌نما ها فراهم کرده است . چپ نماها که همیشه هدف اصلی آنها مبارزه علیه حزب‌توده ایران و اتحاد شوروی بوده ، اکنون میتوانند با استفاده از محیط چپ روانه و با توجه به اینکه هدف اصلی چپ روها نیز حزب توده ایران و اتحاد شوروی است ، نقشه پلیدخویش را از پیش ببرند ، بدون آنکه در معرض اتهام همکاری با ارتجاع و امپریالیسم قرار گیرند . در واقع این اتحاد نامقدس به این دلیل عملی شده و این پدیده زیان بخش و خطرناك به این جهت بروز کرده است که سیاست ارتجاعی قدیمی با نقاب جدید بمیدان آمده و با سیاست چپ روها تلاقی کرده است .

ماهیت اتحاد چپ رو ها و چپ نماها و نتایج آن در عمل

برای آنها که خصومت با حزب توده ایران و اتحاد شوروی و غرق شدن درتمایلات ذهنی دیده بصیرتشان را کور نکرده این واقعیت تردید ناپذیر است که حزب توده ایران همچنان در پیشاپیش نیروهای ملی و انقلابی ایران بر ضد ارتجاع و امپریالیسم و برای استقرار یك حکومت ملی و دموکراتیك پیکار میکند ، این واقعیت تردید ناپذیر است که اتحاد شوروی در رأس نیرو های صلح ، دموکراسی و سوسیالیسم بر ضد امپریالیسم مبارزه میکند . این واقعیت راهر روز حادتر‌ای در صحنه ایران و جهان زنده تر و آشکارتر میسازد . بنا براین مبارزه باحزب توده ایران و اتحاد شوروی - آنهم بعنوان هدف اصلی - تلاش برای همکاری و اتحاد با همه کسانی که بنه دلیلی در این مبارزه ذینفع اند ، سیاستی است عینا ارتجاعی ، ضد ملی وضد انقلابی . در اینجا متأسفانه دیگر آگاهی و یا آگاهی بر ماهیت و نتایج این سیاست نقش عمده ندارد . عمده آنستکه بجای گرد آوردن همه نیرو های ضد ارتجاع و ضد امپریالیست بجای متمرکز کردن همه نیروها علیه رژیم ضد ملی و ضد دموکراتیك ایران ، درست برضد آن نیروهائی مبارزه‌میشود که پشتیبانك مبارزه برضد ارتجاع و امپریالیسم اند ، در اینجا دیگر حرفها و شعار های ماوراء انقلابی مهم نیست . نتایج عملی روشها و سیاست ها مهم است . این نتایج عملی در یك کلمه عبارتست از تشدید تفرقه بین نیرو های ملی و بوجود آوردن «اتحاد» برضد انقلابی‌ترین و مبارزترین جناح آن . و این یعنی تضعیف نهضت در مجموع خود . این یعنی کسانی که دوام رژیم و دوام تسلط امپریالیسم ، مشعار به همه نیروهای ملی

شکل بروز آنتی کمونیسم در ایران مبارزه برضد حزب توده ایران و اتحادشوروی است . امپریالیسم و ارتجاع بویژه پس از شهریور ۱۳۳۲ حتی یك لحظه این هدف اصلی خود را در ایران فراموش نکرده‌اند . آنها تمام وسایل و اشکال را برای نیل باین هدف مورد استفاده قرار داده اند و میدهند . آنها حتی حاضرند زیر نام «کمونیسم» با حزب توده ایران و اتحاد شوروی مبارزه کنند ، آنها حتی آماده اند که انتقاد ومخالفت با خود را بپذیرند ، بشرط آنکه در همانحال با حزب توده ایران و اتحاد شوروی مبارزه شود . تمام نیروی مادی و معنوی آنها ، تمام دستگاه جهنمی آنها همراه با صدها میلیون دلار پول ، بطور خستگی ناپذیری در این راه تلاش میکند .

«مشعار ما بهمه نیرو های ملی - بهمه آنهائیکه بحقی از غلط ، ولی بدون سوء نیت با حزب توده ایران و اتحاد شوروی از در مخالفت در آمده‌اند ، بهمه چپ روها که صادقانه به آرمانهای ملی و انقلابی علاقمندند ، اینست که با چشم باز ، با واقع بینی ، با بصیرت نتایج روش ضد توده ای و ضد شوروی را برای جنبش ملی و انقلابی میهن ما ، برای مصالح عالیه مردم میهن ما در حال و آینده بنگرند ، بدینسته که روش ضد توده ای و ضد شوروی ، عاملانه است و به واقع بینانه ، به ملی است و به انقلابی . درك کنند که این روش ، چه بخواهند و چه نخواهند ، بزیان جنبش و بنفع دشمنان جنبش است .

«مشعار ما اینست که عناصر سالم و با حسن نیت نگذارند از احساسات و تمایلات پاك و صادقانه آنها سوء استفاده شود ، توجه داشته باشند که دشمن در میان آنهاست و از هر حرف و هر عمل آنها برای تشدید تفرقه بین نیروهای ملی سوء استفاده میکند ، پر حذر باشند از اینکه حساب آنها را حساب عناصر ناسالم و مشکوك که نقاب فریبنده ای بر چهره خود زده اند یکی شود .

اتحاد مقدس نیرو های ملی و دموکراتیك

حزب توده ایران دربرابر اتحاد نامقدس چپ رو ها و چپ نما ها اتحاد مقدس و واقعی همه نیروهای ملی و دمکراتیك را قرار میدهد . وظایف اعضاء و هواداران حزب توده ایران و همه آن کسانیکه به این اتحاد مقدس اعتقاد دارند سنگین و دشوار و طولانی است . اکنون باید در عین مبارزه بر ضد انحرافات گوناگون در نهضت ، پیکار در راه اتحاد نیرو های ملی را در درجات گوناگون و در سطوح مختلف ادامه داد . هم باید چپ نماهارا افشاء کرد و هم باید چپ روها را با حوصله ومتانت و پیگیری به نتایج زیان بخش روش آنها متوجه ساخت . این نکته را هم باید دیگر با قوت تمام باید تأکید کرد که حزب توده ایران با اینکه از اتحاد نامقدس چپ رو ها و چپ نماها متأسف است ، ولی مقابله با آنرا علیرغم جار و جنجالی که اخیرا بعلت تشدید مبارزه سیاسی و ایدئولوژیك و سازمانی حزب ما برضد چپ روی ، چپ نمائی و تفرقه افکنی ، براه انداخته شده ، وظیفه خود میداند . حزب توده ایران طی یك ربع قرن زندگی خود طوفانی از حوادث را از سر گذرانده ، از میان شکنجه و گلوله یاران دشمن و اتهامات ناسزاهای او و همه مخالفانش گذشته ولی‌زنده است و به پیکار عادلانه خود ادامه میدهد . ما به پیروزی نهائی راه و روش خود ایمان داریم .

م. انوشه

«تنها جواهرات معدوین جشن دوسی آقای نقابدار میلیون مشهور ایران بعهدا میلیون تومان ارزش داشت و کلا آگاهان مأمور حفاظت این جواهرات بودند . مطلوح دوسی در هتل و ملك بیه ۲۵۰ هزار تومان بالغ شد ، خوانندها

« هنگ الماس »

هنگ الماس - نام مناسبی است که به قشر ممتازه در جامعه های سرمایه داری داده شده است . برفراز سیاه بی‌حد وقیاس فقر وافلاس ، هنگ الماس قرار دارد . شکر که کشور ما از این بابت از « غرب طلائی » عقب نمانده است واینروزها که تابجهای تازه‌ای را برای شاه وشهبانو ترسیم میکنند میلیونر های وطنی نیز بجلوه گری پرداخته‌اند .

هنگ الماس حق دارد کاملا لاقید باشد و خودرا در مستی شامپانی و بخور عطر های غلیه آور غرق کند ، تختها و سرنیزه‌ها از آن اوست . قانون در پیرامش سرنوشت خود را خم میکند . روشنفکران وجدان فروش نبوغ خود را در پای او میریزند . در دوزخ ورگ ایران این هنگ مالك کوشك هائی بهشتی است ، استخر های کبود ، بار های پرشور ، پارکهای خوشبو ، پارتی های پرنشاط .

بارش عجیب این هنگ الماس بنگرید ، پاپوش آنها پرزاغه های بی‌نور ، مزارع خشکیده ، آرزوی اکثرمال بیکاران ، پیکر پیچان مجاهدان و شهیدان ، سفره تهی کارمندان بی‌چیز ، کارگاههای گرد آلود پیشه‌وران ورشکست . . . مارش پیروزمند هنگ الماس براستخوان سیاه افلاس !

ا . س .

نامه سرگشاده رفقا حکمت جو و خاوری به نخست وزیر

اخیراً متن نامه سرگشاده رفقا حکمت‌جو و خاوری خطاب به آقای هویدا نخست وزیر بدست ما رسیده است. رفقا حکمت‌جو و خاوری در این نامه یك سلسله واقعیات را در باره وضع زندانیان سیاسی افشاء میکنند و عمداً براساس همبستگی انقلابی حسب دفاع از حق یاعتقادیك سیاسی ایران در بازگشت بوطن میزنند. نامه رفقا حکمت‌جو و خاوری که باوضوح بیکار جریانه درخورد تحسین نوشته شده است سند تازه‌ایست بروح شکست ناپذیر توده‌ها. چه قبل از دادگاه بدوی و تجدید نظر و چه بعد از آن رژیم تلاش زیاد بکار برد تا از این رفقا اظهار ندامت بگیرد ولی آنها مرگ را از تسلیم گوارا‌تر شمرده‌اند.

رفقای مبارز ما در زندان که این دو تن رفیق پیکارجو محدود نیستند، درزندان رفقائی هستند که اکنون از ۱۹ تا ۱۰ سال است در زندانند. عمدهٔ فراعنهٔ سازمان افسری حزب توده ایران مدت ۱۳ سال است در زندانی به زندان دیگر اعزام میگردند! این رفقا حاضر نشدند تن به شکست و تسلیم بدهند و مانند کوهی استوار در سنگر خویش ایستاده‌اند.

نبرد رفقای زندانی ما، ایستادگی آنها، بانگ رسای حق طلب آنها، بدهمه شیفتگان آزادی خواه در کشور و خواه در خارج الهام میدهد.

روزنوشت به دادستانی ارتش - روزنوشت به روزنامه اطلاعات - روزنوشت بهمجله امید ایران، جناب آقای نخست وزیر: بنا به تشخیص و رأی دادگاههای تابع دولت شما و اسلاف شما که بهر حال مسئولیت اعمال خلاف رویه وقانون آنها و عواقب آن تاروزیکه برطرف نشود بعهده شماست، عدهای افراد وطن‌پرست در چهار دیوار های تنگ زندانها و تبعیدگاهها بسر میبرند. اینها بجرم عدالت خواهی، آزادی دوستی و میهن‌پرستی و داشتن عقاید مترقی و انساندوستانه و دچار بیعدالتی سلب هرگونه آزادی و محرومیت از حقوق بشری گردیده‌اند. دولت شما نمیتواند از آن محدودیتهائیکه علاوه بر محدودیتهای فوق نسبت بما زندانیان سیاسی اعمال میشود بی‌اطلاع باشد. امکانات اندك محدود معالجه و مداوای بیماران که اغلب بعلت بسیار زنده وناشایستی ارائه میشود، محدودیتهای جیره دراسرال و فشاره نامه برای زندانیانیکه سالها از دیدار فرزندان خود حتی از پشت میله های زندان محروم میباشند، محدودیت در خریدات کتاب و مطبوعاتی که در داخل کشور اجازه طبع و نشر و پیدا کرده‌اند، ترتیب دیدار با خویشان که اغلب آنها سالخورده و بیماراند و از پشت دورشته دیوار از میله های آهنین انجام میگیرد هرچیك از آنها را ما شایسته خود نمیدانیم. هر یك از ما طی جریانات محاکمات معمولهٔ باصل قیر قانونی بودن دادگاهها و عدم رعایت عادی ترین موازین اعلامیه جهانی حقوق بشر و حتی قوانین موجود کشور محترض بوده ایم. دادگاههای تابع دولت شما اعتبارات معمول خود را در اعمال و افکار ما قبلا بکار برده‌اند. شاید این نامه هم مانند نامه های متعدد دیگر یکسره راه آرشیو های فراموشی را در پیش بگیرد ولی این امر نمیتواند مانع گوش داده شد که گفتن‌ها ناگفته بماند. ما بزیاده در روز هائیکه سردار تیلوفلات دولت را موضوعات کوشش خود را بسفهبهاشت، بسط فرهنگ و حمایت ازکتاب وداشتن که پیروی ازاصول اعلامیه‌جهانی‌وحق‌وشرط‌وحدت حقوق فردی اشخاص فراگرفته است. این را میتوسیم بشر اقبالی نخست وزیر آنانیکه‌ازقرون وسطی‌وارتجاعی‌مانده ترین کشور های جهان نسبت بیفتخاران سیاسی دولتها بعنوان دخودران ما نسبت بایشانگرفته اشخاص اعمال میشود. شما میتوانید مطمئن باشید که هیچ فرد آگاه کشور و چه در خارج از آن نمیتواند پیدا کند که باحکام جابرانه و خلاف قانون دادگاههای دوره بحث ما صحه بگذارد. شما میدانید که ما چه خواهانیم و چه میخواهیم. شما میدانید که جرم عمده زندانیان سیاسی دولت شما و محکومیت بحبلای وطن، که سالها از منبع انسانی دوستی وطن دوستی و حیات و حرکت میگیرند چیست. آیا این دلیل و تنها همین یك دلیل برای اثبات انساندوستی ومیهن پرستی زندانیان سیاسی امروز شما کافی نیست که در قبال انتخاب مرگ یا ننگ بیشتر از عقیده مرگ را برترگ عقاید میهن پرستانه و بشر دوستانه خود ترجیح داده‌اند؟ آیا شما نمیدانید که در دولت شما مجازات زندان و تبعیدگاه، برای مخالفان سیاسی اعمال و تا مادام العمر محروم ساختن از آزادی آنهم خودرایگی که متضمرا ذکر شده تعیین میکند، دولت شما مارا مجرم بحال منافع کشور وحتی خیانت بتیغه محرقی میکند. ماخودرا تاشش‌روزبه صفتوطمان، زحمتکشان کشورمان و خادم و فدا کار در راه تحقق آمال انسانی مردم وطمان میشمریم. دولت شما ما را ترمز کننده امر پیشرفت کشور معرفی میکند. ما افکار وانظریات خودمان را در مورد مسائل و مشکلات وطمان مترقی و انساندوستانه میدانیم. چنانکه ملاحظه میفرمائید ارزشهایی شما و ما در این دوره فرسنت ۱۸۰ درجه مخالف یکدیگر است. دولت شما این فضولات ثالث را بوسیله دادگاههای غیر قانونی خود که تنها مورد قبول دولت‌شمست اجرا نموده‌است. معلومات بخواهید اگر بیانین شرب‌العل مطلبی واقعی ولی بظاهر تلخ قدسی اشاره میکنیم که این امر تنها باعضای وطن دوست و انچه آن چیزی است که موضوع اعتراض ما را تشکیل داده و میدهد. نظر ما از نوشتن این نامه آنکه نیست که بیاشید بند از دست و پای ما بردارید یا اینکه تو آن نسبتهای موهن وتنگین که درارتباط بعنوان اتهام و سپس غایرغم شناسائی واقعی ما بعنوان جرم بما داده‌اند پوزش بخواهند.

در جامعه وطن، ما دچار درد های بیدرمانیم بزرگترین زخمهائی بدرجات عمیق‌ترفرست بخود اندیشیدن شرط عشق ورزیدن بوطن و مردم آن نیست. صحنگاه عضائی دولت شمامارا تابای چیره‌ناپذیر و بی سخنی جز میهن و ملت ما را نشنید. انگیزه ما در نوشتن این نامه یادآوری آن مسئولیت خطیری است که خوشبختانه خاص وکم سابقه میهن‌ما خواهی نخواهی بعهده دولت شما واگذار شده است. ما بحکم وجدان و معتقدات خود نمیتوانیم در این مورد سکوت کنیم. هر چند که این عدم سکوت بتواند برایما گرانتر تمام شود. تجربه تاریخ بویژه تجارب ملت‌ما‌بیانگه در وضع ومرقعیت کنونی ما بوده‌اند فرسهای روشنی هستند که راه اجرای اصلاحات واقعی ژرف ملی و تحولات عمیق اجتماعی را نشان داده و میدهند. کدام نمونه تاریخی لازمتر‌که گذشته وحال مانند ما میتوانیم بیان فرماید که چنین تحولات بدون‌شرکت صمیمانه و آگاهانه اکثریت وسیع مردم میتوانیای بیتریخ وقدا کارانه آنها صورت گرفته باشد. ما معتقدیم که ثبات و پیشرفت واقعی را نمیتوان ذبرکت آگاهانه و فعال اکثریت وسیع مردم و همه میهن‌پرستان واقعی برپایه‌اصول دموکراتیك بنیادنهاد بوجود آورند. ما حتمامیم از اینکه جوانان هر افراد تحصیل کرده و متخصص و میهن‌پرست که بوجودشان در دورانی که کوشش‌هائی برای رفع عقب ماندگی کشور میشود حکم بزرگترین سرمایه‌ها برای میهن ما دارد باید با شور عشق بوطن و علاقه خدمت بمیهن باشهای سال محروم از دیدار وطن وملت و خویشان خود باشند وابروی شهوت تعصب وعاطفه فطری آنها بآب و خاك آباد‌ی اجدادی در میهن بکار گمارده شود فکر انگار و عقاید آنها را دلیل این بیعدالتی بزرگ میدانید آیا نمونه فداکاری ومیهن پرستی همشگرانی آنها را در هر گوشه وکنار جهانیم بنظر نمیآورید آیا بجبرئیه کاست کشیده است که چنین اشخاصی بیگوبرین وفدا کارترین افراد مردم اعلای میهن و ملت بیاشند.

جناب آقای نخست وزیر توجه‌ایت مطلب که هزاران نفر ایرانی مجبور و سکونت‌ده دیگر روی وطن را نبینند با هیچ استدلال و منطقی عاقل نیست. شما هم شاید حس کرده باشید که این هر بعدی برای آنها که هر از وطن مستعد سکونت و ناگوار است که، دیگر عاقل سریع و مبرم خود را طلب میکند. کشوری نظیر ایرانیانی تقیست حتی تاجار شد بعضای اعتراض مردم و عدم رضایت آنها گوش افرادمد ودهمهاجرت فردنك میهن‌پرستان‌شیلیوانی خاتمه بخشد. شما اگر قدری برای شیدن این اعتراض دقیق‌تر گوش کنید بخوبی بوجود آن پی خواهید برد. بگذارید که این مرد اولوفالی وتیزی ضروری میدهد کشور ما در لحظات حاد تاریخی تکامد. ما در وضع خاص خود که برشما پوشیده نیست رظیفه خود دانستیم که نظر شما را بموضوعات مطروحه در فوق که تضاد در سرنوشت آینده میهن ما وچگونگی حل آنها اهمیت ویژه‌ای خواهد داشت جلب کنیم

با احترامات فائقه

پرویز حکمت‌جو - علی خاوری

همکاری سازمان امنیت و پلیس آتریش

از چندی پیش سازمان امنیت به‌اعمال فشار جدیدی برضد دانشجویان ایرانی درخارج ازکشور دست زده است. جالب است که این فشار در آتریش «بیطرف» بیشتر بچشم میخورد. مأموران سازمان‌امنیت درسفارت ایران درآتریش بامکاری پلیس آتریش بهانه های گوناگون در مورد تمدید گذرنامه و اقامت دانشجویان ایرانی، بویژه آنها که فعالیت صنفی و سیاسی دارند، اشکالتراش میکنند و آنها را تحت فشار ومضیقه قرار میدهند. این فشار در ایران بصورت تهدید خانواده های دانشجویان و واداشتن آنها بقطع کمك مالی برای فرزندان آنها ظاهر میکند. تکلیف مردم ایران با سازمان امنیت روشن است. ولی همکاری پلیس‌آتریش با سازمان امنیت ایران بر ضد دانشجویان ایرانی موجب تأسف است و ازجانب مردم ایران شرکت دراعمال غیرقانونی سازمان امنیت ایران و نقض آشکار بیطرفی آتریش تلقی میشود. ما به این اعمال غیر قانونی شدیداً اعتراض میکنیم. درهمانحال ماتوجه همه‌دانشجویان و سازمانهای دانشجوئی، خدراسیونها وکنفدراسیون را به‌این اعمال فشار جلب میکنیم وآنهارا بمبارزه متحد برای دفاع از حقوق دانشجویان و اعتراض به بیقانونها دعوت میکنیم و سودمند میشمریم که این سازمانها علی تمامه مستدی مقامات آتریش را از جریان آگاه سازند و باسازگاری این روش را با سیاست بیطرفی آتریش متذکر گردند. بویژه در این مواقع است که سازمانهای دانشجوئی باید موجودیت خود را بعنوان مدافع حقوق دانشجویان به اثبات رسانند.

میتینگ دانشجویان آلمانی و خارجی در شهر رستك

بنا باطلاع منتشره در روزنامه های «اوستسزه» و «دمکرات» منطبعهٔ بندر رستك(جمهوری دمکراتیك آلمان) در تاریخ ۲ شبه ۳ ژوئن میتینگی بنا بدعوت دانشجویان ایرانی مقیم رستك از دانشجویان آلمانی و خارجی تشکیل شد. در این میتینگ به اقدامات وحشیانه پلیس آلمان بمناسبت سفر شاه اعتراض گردید و تلگراف اعتراض آمیزی برای برای کیزینگر صدر اعظم جمهوری و مراجع دیگر ارسال شد و شرکت کنندگان میتینگ‌نامهٔ تسلیتی خطاب به بتو لوزرگی دانشجوی شهید آلمانی بدین مضمون ارسال داشتند: «مراتب تأثر و تأسف عمیق عود را بمناسبت مرگ همسرمان ابراز میداریم و بشما اطمینان میدهیم که هرگز نام «لوته زرگه» از لوح ضمیر ما زدوده نخواهد شد. دانشجویان آلمانی و خارجی «تشکله رستك»

در راه عفو عمومی مبارزه کنیم

یکی از شعارهای مبرم حزب ما مبارزه در راه عفو عمومی است. در همین جا باید بیانرائیم که «عفو عمومی» (که معادل لغت «آمنیستی» اروپائی است) بهیچوجه بمعنای طلب غفران وآمرزش از آستان هیئت‌حاکمه نیست. هر کزهرم گر انقلابیون‌وآزادیخواهان بسبب دفاع از حق مردم از غاصبین این حق طلب آمرزش نمیکنند واگر کسی چنین کند شایسته نام والای انقلابی و مترقی آزادیخواه نیست. ولی سازمانهای انقلابی وموکراتیك، عناصر مترقی و آزادیخواه حق دارند و باید در دورانی که بکسلسله اعمال جابرانه جمعی و فردی صادر شده و گروه کثیری به حبس و تبعید و جلاء وطن محکوم و مجبور شده‌اند ازهیئت حاکمه بخواهند این‌وضع اختناق آور غیرعادی را با گذراندن قانون عفوعمومی یعنی قانون الغاء بکبارمعنتی احکام جابرانه، جبران کند. در اصطلاح سیاسی و قضائی عفو این واژه دیگری برای این مفهوم نیست.

بهمین جهت حزب ما در این دوران که تعداد کثیری محکومیت‌های ظالمانه‌طی دوران سلطنت محمدرضا شاه ذخیره شده است ودهها هزار نفر درزندانها، تبعید گاهها وجلاء وطن اجباری رنج میبرند، شعار مبارزه درراه عفو عمومی را مطرح میکند و در طرح این شعار کاملا ذیحق است.

این یك شعار مبارزه است که یك شعار تقاضا واسترحام و استمداد. هیئت حاکمه در شرایط کنونی بیرای گذراندن قانون عفو عمومی از مجلس آماده نیست. آنچه که در اینروزها بنام «لایحه عفو» از تصویب شورا و سنا گذشته مانند واحد نیمبند ومبهمی است که بدولت اختیار میدهد درکادر قوانین موجود تصمیماتی در باره تخفیف مدت حبس عده ای اززندانیان بگیرد. این جریان درحکم اعطا کمابیش وسیع‌تر همان «عفوهای ملوکانه» است که هر چندی بکبار انجام میگیرد مردم ایران‌وعناصر انقلابی ومترقی این‌بخشایش گری ملوکانه را خواستار نیستند. آنچه خواستارند که برروی کوهی احکام ظالمانه و ضد قانون اساسی قلم ابطال کشیده شود.

دستگاههای تبلیغاتی آشکار ونهانی رژیم مدتی است پندار باطل «عفو عمومی» را که گویادربرنوی «رأفت‌ملوکانه» ودرجریان تاجگذاری انجام خواهد گرفت پخش میکنند. توده‌ها‌ها هیبته در مقابل این قبیل پندار های تهی‌مشاری وواقع بینی سیاسی‌نشان داده‌اند.

در مقابل شایعات کنونی حال رژیم نیز وضع غیر از این نیست و نخواهد بود. برای تحقق یك مبارزه صحیح در راه عفو عمومی باید افکار عمومی ایران و جهان ازوضع زندانیان وتبعیدیان ومهاجران سیاسی وبی‌قانونی صرف و رژیم پلیسی در ایران آگاه گردد، کمیته های عفو عمومی تشکیل شود، مبارزات مشخص وسیع صورت گیرد، فقط وفقطچنین مبارزه‌ای، همراه‌باسطعمومی جنبش رهائی‌بخش کشورما میتواند و قادرست طی زمان شعار عفو عمومی‌را از صورت یك شعار تجریدی بصورت یك شعارعملی درآورد.